

The mediating role of ambition in the relationship between the dark triad of personality with the fraud intention

Mahdi Moradi*

Professor of Accounting, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.(Corresponding Author) mhd_moradi@um.ac.ir

Mahtab Rashidi

MSc.in Auditing, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. mahtabrashidi400@gmail.com

Abstract:

Financial fraud, which occurs in various forms of unethical practices, such as financial corruption, asset misappropriation, and financial reporting fraud, not only damages a company's reputation but also causes irreparable damage to financial markets due to loss of investor confidence. Hence, understanding the causes of these frauds is the key to designing more effective internal controls and creating an ethical organizational culture. Research shows that the occurrence of fraud is contribute to the psychological characteristics of individuals. Thus, the present study aimed to gain a deeper understanding of the mechanism of Machiavellianism, narcissism, psychopathy, and ambition with the fraud intention in accountants and managers. For this purpose, 386 questionnaires were collected cross-sectionally in the summer of 2025 and analyzed through structural equation modeling to test the research hypotheses using AMOS software. The results, while rejecting the direct relationship between narcissism and Machiavellianism with fraud intention and confirming the direct relationship between psychopathy and ambition with fraud intention, show that there is a direct and Significant relationship between narcissism, Machiavellianism and psychopathy with ambition. In addition, ambition mediates the relationship between narcissism, Machiavellianism, and psychopathy with fraud intention.

Keywords: Fraud intention, Ambition, Machiavellianism, Narcissism, Psychopathy, The dark triad of personality.

Copyrights



This license only allowing others to download your works and share them with others as long as they credit you, but they can't change them in any way or use them commercial.

نقش میانجی جاه‌طلبی در رابطه میان سه‌گانه‌ی تاریک شخصیت با قصد ارتکاب تقلب

مهدی مرادی^{۱*} مهتاب رشیدی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۲۹

چکیده

تقلب‌های مالی که در اشکال مختلف اعمال غیراخلاقی از جمله فساد مالی، سوءاستفاده از دارایی‌ها و تقلب در گزارشگری مالی رخ می‌دهد، ضمن خدشه‌دار کردن اعتبار یک شرکت، بازارهای مالی را با آسیب‌های جبران ناپذیر ناشی از دست رفتن اعتماد سرمایه‌گذاران رو به رو می‌سازد. لذا، درک علل وقوع این تقلب‌ها کلید طراحی کنترل‌های داخلی مؤثرتر و ایجاد فرهنگ سازمانی اخلاقی است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد وقوع تقلب با ویژگی‌های روانشناختی افراد ارتباط دارد؛ از اینرو، پژوهش حاضر با هدف درک عمیق‌تر ساز و کار ماکیاولیسم، خودشیفتگی، جامعه‌ستیزی و جاه‌طلبی با قصد ارتکاب تقلب حسابداران و مدیران در ایران صورت پذیرفته‌است. به این منظور، تعداد ۳۸۶ پرسشنامه با روش نمونه‌گیری در دسترس و به صورت مقطعی در تابستان ۱۴۰۴ جمع و از طریق مدل‌یابی معادلات ساختاری جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش به‌وسیله نرم‌افزار AMOS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج، ضمن رد رابطه مستقیم میان خودشیفتگی و ماکیاولیسم با قصد ارتکاب تقلب و تأیید رابطه مستقیم جامعه‌ستیزی و جاه‌طلبی با قصد ارتکاب تقلب نشان می‌دهد میان خودشیفتگی، ماکیاولیسم و جامعه‌ستیزی با جاه‌طلبی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. علاوه بر آن، جاه‌طلبی رابطه میان خودشیفتگی، ماکیاولیسم و جامعه‌ستیزی با قصد ارتکاب تقلب را میانجی‌گری می‌کند.

کلید واژه‌ها: قصد ارتکاب تقلب، جاه‌طلبی، ماکیاولیسم، خودشیفتگی، جامعه‌ستیزی، سه‌گانه تاریک شخصیت.

^۱استاد حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول) mhd_moradi@um.ac.ir

^۲کارشناسی‌ارشد حسابداری، گروه حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. mahtabrashidi400@gmail.com

۱- مقدمه

سازمان‌ها در راستای دستیابی به اهداف خود همواره متحمل ریسک‌های متفاوتی نظیر ریسک تقلب می‌شوند که رسیدن آن‌ها به اهداف یاد شده را با خطر جدی مواجه می‌سازد (ترایان‌توره و همکاران، ۲۰۲۰). از همین روی وقوع تقلب‌های مالی به عنوان یکی از تهدیدهای درخور توجهی شناخته می‌شود که بازارهای مالی و چرخه‌ی اقتصادی کشورها با آن رو به رو هستند؛ به طور کلی، تقلب‌های مالی که به صورت اقدامات فریبکارانه و غیرقانونی در حوزه‌های مالی رخ می‌دهند، شامل مصادره دارایی‌ها، ارائه اطلاعات نادرست یا گمراه‌کننده و روش‌های مشکوک مانند دستکاری قیمت سهام یا پنهان‌سازی بدهی‌ها می‌باشند (ون دریل، ۲۰۱۹). این تخلفات که غالباً به رسوایی‌های بزرگ تجاری و زیان‌های مالی شرکت‌ها می‌انجامد، پیامدهای نامطلوبی نظیر از دست رفتن اعتماد سرمایه‌گذاران، جلوگیری از رشد و توسعه اقتصادی را در پی دارند و معمولاً زمینه‌ساز اصلاحات نظارتی می‌گردند (توماس، ۲۰۱۹؛ الناتور و همکاران، ۲۰۲۵). با این حال شواهد حاکی از آن است که رخداد تقلب‌های حسابداری همچنان با وجود افزایش چشمگیر سطوح نظارتی بر شرکت‌ها قابل مشاهده هستند (کمپا و همکاران، ۲۰۲۵). لذا، انجام اصلاحات نظارتی، وضع قوانین، تصویب و بازنگری در استانداردهای حسابداری اگرچه ضروری به نظر می‌رسند، اما به تنهایی کافی نبوده و نیاز مبرمی به رویکردهای جامع‌تر برای کاهش تقلب و تخلفات مالی احساس می‌شود (توماس، ۲۰۱۹).

در همین راستا، بررسی ادبیات موجود نشان می‌دهد با وجود تصویب دستورالعمل‌های حاکمیت شرکتی توسط سازمان بورس و اوراق بهادار، تدوین و تصویب استاندارد حسابرسی ۲۴۰ در ارتباط با تقلب، همچنان رخداد تقلب و فساد مالی در شرکت‌ها مشهود است؛ که خود حکایت از پیچیدگی این پدیده در بافت بومی ایران دارد که نشان می‌دهد قوانین و مقررات، علی‌رغم وجود، به شکل مؤثر اجرا نمی‌شوند. مطالعات انجام شده طی دهه‌های اخیر در ارتباط با وقوع تقلب در ایران، نمایانگر این مهم است که مدیران شرکت‌های متقلب از حیث ماهیت منحصر به فرد جایگاه شغلی خویش در راستای نمایش صوری عملکرد پهنه‌ی خود، ثبت‌های حسابداری را دستکاری می‌کنند (ابراهیمیان و همکاران، ۱۳۹۹). از اینرو به نظر می‌رسد بخش قابل توجهی از تقلب‌های مالی صورت گرفته در ایران ضمن افتراق از اشکال سنتی تقلب، بیشتر در قالب مدیریت سود از طریق مدیریت و هموارسازی اقلام تعهدی به وسیله‌ی مدیران شرکت‌های متقلب روی می‌دهد (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۵). از سوی دیگر، مطالعات در زمینه تقلب‌های مالی در صنعت بانکداری ایران نشان می‌دهد، سوءاستفاده از دارایی‌ها منجر به زیان مالی چندین بانک و به طبع آن از دست رفتن سرمایه سپرده‌گذاران (کاظمیان و همکاران، ۲۰۱۹) و لطمه به برخی از کسب و کارها شده است (عشقی و کارگری، ۲۰۱۹). این مهم ضمن تأکید بر مکانیسم‌های

نظارتی، ضرورت مطالعه ابعاد گوناگون شکل‌گیری تقلب را در بازار نوظهوری مانند ایران خاطر نشان می‌سازد.

پژوهشگران عمدتاً با تکیه بر یافته‌های تجربی و بستری که توسط مدل‌های پیشنهادی نظیر مثلث تقلب و الماس تقلب فراهم شده‌است، بر این باورند که واکاوی علل شکل‌گیری قصد ارتکاب تقلب در افراد و رخداد جرائم مالی با در نظر گرفتن ماهیت تقلب و جنبه‌های رفتاری مرتبط با آن، مستلزم نگرش بین رشته‌ای است (دورمینی و همکاران، ۲۰۱۲؛ ایواز و همکاران، ۲۰۲۴). از اینرو، مطالعات متمرکز بر تفاوت در خصیصه‌های روانشناختی نمایانگر این مهم است که افراد با ویژگی‌های شخصیتی متفاوت، سطوح متفاوتی از مشارکت در رفتارهای غیراخلاقی و به تبع آن رفتارهای متقلبانه را از خود نشان می‌دهند (پسندیده‌فرد و همکاران، ۱۳۹۹؛ کدخدایی الیادرائی و بنی‌مهد، ۱۴۰۰). به گونه‌ای که، افراد با سطوح بالاتر سه‌گانه‌ی تاریک شخصیت، نسبت به هم‌تایان خود در سطوح پایین‌تر آن با احتمال بیشتری درگیر رفتارهای غیر اخلاقی نظیر مشارکت در تقلب می‌شوند (روزر و همکاران، ۲۰۱۶؛ بوکانان و همکاران، ۲۰۲۵). در همین راستا، مطالعه گورلک (۲۰۲۱) نشان می‌دهد، ماکیاولیسم با افزایش سطوح جاه‌طلبی شغلی همراه است و فرد را به سمت مشارکت در رفتارهای غیراخلاقی سوق می‌دهد. با این وجود، عقاید ضد و نقیضی پیرامون مفهوم جاه‌طلبی وجود دارد و اغلب به عنوان یک سازه دارای ماهیت دوگانه شناخته می‌شود (زو و همکاران، ۲۰۲۲). به گونه‌ای که، برخی آن را از جمله فضایل بر می‌شمارند و برخی دیگر از آن به عنوان نوعی رذیلت یاد می‌کنند (جاج و کامر-مولر، ۲۰۱۲)؛ لکن، از نقطه نظر تاریخی بیشتر فلاسفه جاه‌طلبی را نوعی رذیلت می‌پندارند تا یک فضیلت (جاج و کامر-مولر، ۲۰۱۲)؛ که به واسطه‌ی ماهیت غایت‌شناختی خود بیشتر جهت پیش‌بینی موفقیت شغلی مورد بررسی واقع شده‌است (جاج و کامر-مولر، ۲۰۱۲؛ اشبی و شون، ۲۰۱۰؛ اوت و همکاران، ۲۰۱۷). لذا، مطالعات در زمینه اثرات نامطلوب جاه‌طلبی در حیطه‌ی شغلی به شکل غیر قابل انتظاری اندک و محدود است. به گونه‌ای که تنها ارتباط آن با رفتارهای غیر اخلاقی مورد بررسی واقع شده‌است به عنوان مثال اوریلی و پففر (۲۰۲۵)؛ از اینرو، ارزیابی پیش‌بیندهای مؤثر بر جاه‌طلبی که سوق دهنده‌ی آن به سمت ارتکاب رفتارهای غیر اخلاقی است در کنار مکانیسم اثر و بررسی نقش جاه‌طلبی در پیدایش رفتارهای متقلبانه همچنان مقهور مانده‌است. از اینرو، می‌توان استنباط نمود دیدگاه‌های سنتی موجود پیرامون این مفهوم بالاخص در حیطه‌ی شغلی، نیازمند مطالعه علمی دقیق‌تری است. از سوی دیگر، این امر در ارتباط با تقلب نیز صادق است؛ هرچند ادبیات موجود بینش ارزنده‌ای را در ارتباط با تقلب، رفتارهای غیراخلاقی و تصمیم‌گیری فرصت‌طلبانه فراهم ساخته‌است؛ با این وجود تمرکز اکثریت قریب به اتفاق مطالعات حاضر به

شناسایی عوامل مؤثر بر بروز رفتارهای غیراخلاقی و متقلبانه و مدل‌های پیش‌بینی تقلب با توجه بر سیستم‌های کنترلی بدون در نظر گرفتن مکانیسم‌های شناختی معطوف گشته‌است به عنوان مثال گوش و گرین (۱۹۹۶)، چن (۲۰۱۰)، بیلی (۲۰۱۷)، ترایانتوره و همکاران (۲۰۲۰). نکته حائز اهمیت دیگر این است که، علی‌رغم پیامدهای مخرب ناشی از رخداد تقلب، توجه به این موضوع زمانی جلب می‌شود که زیان نشئت گرفته از وقوع آن طیف وسیعی از ذینفعان نظیر سهامداران، بستانکاران، کارمندان و جامعه را در بر می‌گیرد (موچمن و همکاران، ۲۰۲۲). و به تبع آن، غالب مطالعات صورت گرفته با رویکردی پس‌رویدادی معطوف بر روش‌های کشف و کانال‌های مرتبط با افشاگری تقلب توسط افراد درون سازمانی و برون سازمانی است. از این رو، مطالعات متمرکز بر شناسایی عوامل مؤثر بر قصد ارتکاب تقلب بالاخص از نقطه نظر روانشناختی و تفاوت‌های بین فردی میان عاملین آن، سهم اندکی از ادبیات حاضر را به خود اختصاص داده‌است. هرچند بخشی از ادبیات حاضر به مطالعه رابطه میان ویژگی‌های شخصیتی تاریک با بروز رفتارهای غیر اخلاقی از جمله تصمیم‌گیری فرصت‌طلبانه، تقلب‌های بانکی و گزارشگری مالی متقلبانه اختصاص دارد به عنوان مثال دسوزا و دلیما (۲۰۱۵)، موچمن و همکاران (۲۰۲۲)، آری و همکاران (۲۰۲۵)؛ با این وجود اکثر مطالعات تنها یکی از ویژگی‌های سه‌گانه تاریک شخصیت را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ که این امر استنتاج در مورد سه‌گانه تاریک شخصیت را به عنوان یک خوشه تعاملی از ویژگی‌ها، دشوار می‌سازد به عنوان مثال ویکفیلد (۲۰۰۸)، شافر و وانگ (۲۰۱۱)، بیلی (۲۰۱۷)، اوتامی و همکاران (۲۰۱۹)، اینگرسول و همکاران (۲۰۱۹)، ترایانتوره و همکاران (۲۰۲۰). لذا شکاف موجود، بررسی عمیق‌تری را در زمینه مکانیسم شکل‌گیری تقلب می‌طلبد. از اینرو، با توجه به وجود شکاف‌های قابل ملاحظه در زمینه مکانیسم اثر سه‌گانه تاریک شخصیت بر جاه‌طلبی و اثرات آن بر قصد ارتکاب تقلب در ایران و همچنین با توجه به ضرورت و اهمیت واکاوی علل رخداد تقلب‌های مالی از باب تقویت مقررات و پیشگیری از تکرار فجایع مالی پیشین، هدف از انجام این پژوهش بررسی جامع و دقیق مکانیسم یاد شده از طریق یک مدل میانجی در میان حسابداران و مدیران در ایران است. لذا، نوآوری اصلی این پژوهش بهره‌مندی از یک مدل شناختی-انگیزی با تمرکز بر نقش جاه‌طلبی در یک جامعه‌ی گسترده از حسابداران و مدیران است؛ که به طور هم‌زمان تعامل میان عناصر سه‌گانه تاریک شخصیت را بر قصد ارتکاب تقلب بررسی می‌کند و ضمن ارائه‌ی تصویری شفاف‌تر از چگونگی شکل‌گیری نیت متقلبانه، یک تحلیل چندگروهی بین رده‌های عملیاتی و ارشد-مدیریتی ارائه می‌دهد. در حقیقت این مقاله به طور خاص با ارائه‌ی یافته‌های مبتنی بر شواهد تجربی ضمن بررسی رابطه میان سه‌گانه تاریک شخصیت و جاه‌طلبی و همچنین رابطه جاه‌طلبی با قصد ارتکاب تقلب، کوشیده‌است تا به درک شایسته‌ی مکانیسم یاد شده کمک کرده و بینش‌های

ارزشمندی را جهت مدیریت سه‌گانه‌ی تاریک شخصیت و هدایت جاه‌طلبی از نتایج مخرب به سمت اهداف سازنده‌ی سازمانی ارائه دهد. در ادامه‌ی مقاله پس از ارائه‌ی ادبیات مربوطه و تبیین روابط میان متغیرهای پژوهش، روش تحقیق، تجزیه و تحلیل پیرامون یافته‌ها و نتایج به دست آمده ارائه خواهد شد.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

قصد ارتکاب تقلب، به معنای قصد و تمایل افراد به مشارکت در رفتارهای متقلبانه است (کان و همکاران، ۲۰۲۴). دلاپورتاس (۲۰۱۳) تقلب را به عنوان سوءاستفاده افراد از موقعیت خویش در یک شرکت جهت دستیابی به مزایای مالی از طریق شیوه‌های نادرست تعریف می‌کند. به طور مشابه، ولز (۲۰۱۷) تقلب را به عنوان کسب منفعت یا سود به واسطه جرمی که اساساً بر سوء استفاده از نقاط ضعف سیستم، فرآیندها و ادارک افراد متکی است تعریف می‌نماید. از سوی دیگر دونینگ و همکاران (۲۰۱۹) تقلب را به عنوان فرآیندی معرفی می‌کنند که متشکل از فریب، پنهان‌سازی یا ممانعت از افشای اطلاعات، حذف عمدی حقایق جهت تحریک یا دستکاری افراد برای کسب منافع شخصی است، لذا، با اینکه تقلب شامل طیف وسیعی از تعاریف می‌گردد، بنظر می‌رسد اجماع نظر غیر قابل انکاری در ارتباط با تعمدی بودن و همچنین وجود انگیزه‌ی کسب سود شخصی در آن مشهود است. چنانچه، به اعتقاد ایواز و همکاران (۲۰۲۴) تقلب در قالب یک عمل عمدی در راستای دستیابی به سود مالی و منفعت شخصی روی می‌دهد که توأم با بی‌نظمی و رفتارهای ناقض قانون است. بررسی ادبیات نشان می‌دهد، تلاش جهت پاسخگویی به چرایی رخداد تقلب منجر به نظریه‌سازی پیرامون این مفهوم شده‌است. نظریه‌ی مثلث تقلب که به عنوان اولین و شناخته‌شده‌ترین نظریه در ارتباط با ساز و کار وقوع تقلب شناخته می‌شود، نخستین بار توسط کرسی (۱۹۵۳) معرفی شد و توانست افقی عمیق و علمی را در باب چرایی وقوع تقلب ارائه دهد و مبنای قابل اتکایی برای سایر نظریه‌ها نظیر الماس تقلب باشد. به اعتقاد کرسی (۱۹۵۳) رخداد تقلب منوط به فراهم آمدن سه عنصر فشار، فرصت و توجیه است و فرد زمانی دست به ارتکاب تقلب می‌زند که هر سه رکن یاد شده فراهم باشد. با وجود بینش ارزشمند ارائه شده در نظریه‌ی مثلث تقلب، ولف و هرمانسون (۲۰۰۴) در ارائه‌ی مدل پیشنهادی خود در ارتباط با چرایی رخداد تقلب به عنصر کلیدی دیگری اشاره می‌کنند که الزام وجود نگرش میان رشته‌ای در باب مطالعه علل وقوع تقلب را آشکار می‌سازد. در حقیقت در مدل الماس تقلب ویژگی‌ها و مهارت‌های فرد در قالب عنصر شایستگی، رکن چهارمی است که به مدل مثلث تقلب افزوده می‌شود (ولف و هرمانسون، ۲۰۰۴). از اینرو مطالعات نشان می‌دهد، تقلب علاوه بر شرایط محیطی با ویژگی‌های فردی عوامل اجرایی آن نیز قابل توضیح است. به گونه‌ای که در صورت فراهم آمدن

شرایط محیطی مساعد جهت وقوع، اینکه چه کسی مرتکب اعمال غیراخلاقی می‌شود اساساً به عوامل فردی وابسته است (تروینو، ۱۹۸۶). لذا، به روشنی می‌توان استنباط نمود، میل به ارتکاب تقلب به شخصیت و ویژگی‌های روانشناختی افراد بستگی دارد (سان و چن، ۲۰۲۲). در همین راستا، مطالعه هریسون و همکاران (۲۰۱۸) نشان می‌دهد، بخش‌های مختلف فرآیند تصمیم‌گیری غیراخلاقی متأثر از خودشیفتگی، ماکیاولیسم و جامعه‌ستیزی است که به عنوان سه‌گانه تاریک شخصیت شناخته می‌شوند. سه‌گانه‌ی تاریک شخصیت متشکل از سه عنصر شخصیتی متمایز اما به هم مرتبط ماکیاولیسم، خودشیفتگی و جامعه‌ستیزی است (پائولوس و ویلیامز، ۲۰۰۲). خودشیفتگی به حالتی اطلاق می‌شود که در آن فرد با احساس مبالغه‌آمیز اهمیت شخصی، نیاز عمیق به تحسین، برتری و عدم همدلی رو به رو است؛ به گونه‌ای که فرد خود را خاص و منحصر به فرد می‌پندارد (پائولوس و ویلیامز، ۲۰۰۲؛ هریسون و همکاران، ۲۰۱۸)؛ ماکیاولیسم با تمایل به دستکاری و فریب‌کاری جهت بهره‌برداری از سایرین برای نیل به اهداف شخصی توأم با دیدگاه بدبینانه و به دور از اصول اخلاقی شناخته می‌شود (پائولوس و ویلیامز، ۲۰۰۲؛ هریسون و همکاران، ۲۰۱۸)؛ و در نهایت جامعه‌ستیزی در برگرفته‌ی حالتی است که در آن شخص فقدان عمیق همدلی و ندامت، عدم احساس گناه، بی‌رحمی، تکانشگری بالا، ریسک‌پذیری شدید و رفتارهای ضد اجتماعی را از خود نشان می‌دهد (پائولوس و ویلیامز، ۲۰۰۲؛ هر، ۲۰۰۳). بررسی ادبیات نشان می‌دهد ارکان تشکیل‌دهنده‌ی سه‌گانه‌ی تاریک شخصیت چه به صورت انفرادی و چه توأم با یکدیگر نتایج زیانباری را به همراه دارند و جامعه را با هزینه‌های قابل توجه روانی، اجتماعی-زیست‌محیطی و مالی رو به رو می‌سازند (باکیاج و همکاران، ۲۰۲۵). اکثر مطالعات صورت گرفته همبستگی مثبتی را میان سه‌گانه‌ی تاریک شخصیت و بروز رفتارهای غیر اخلاقی گزارش می‌کنند به عنوان مثال ایگان و همکاران (۲۰۱۵)؛ روزر و همکاران (۲۰۱۶)؛ هریسون و همکاران (۲۰۱۸). به گونه‌ای که، افرادی که از نظر سه‌گانه‌ی تاریک شخصیت نمرات بالایی را کسب می‌کنند با احتمال قوی‌تری در گروه افراد با خطر بالای تقلب قرار می‌گیرند و این احتمال در رابطه با جامعه‌ستیزی و ماکیاولیسم قوی‌تر است (آنتونیچلی و فلسکی، ۲۰۲۴). در حقیقت، افراد با نمرات بالاتر سه‌گانه‌ی تاریک شخصیت، متأثر از سطوح بالای خودشیفتگی، ماکیاولیسم و جامعه‌ستیزی، به‌شکلی اغراق آمیز خود را خارق‌العاده می‌پندارند، جهت تحقق بخشیدن به اهداف خویش دیگران را استثمار می‌کنند و در نهایت احساس گناه ناچیزی را در قبال رفتارهای خودمحورانه و بدخواهانه‌یشان ابراز می‌کنند (کرایسل و همکاران، ۲۰۱۳). شواهدی که توسط مطالعات متعدد در زمینه سه‌گانه‌ی تاریک شخصیت و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن به دست آمده‌است، به خوبی نقش این صفات را در بروز رفتارهای نکوهیده از منظر حسابداری نظیر ارتکاب رفتارهای خودخواهانه در قالب دروغ‌گویی و تقلب نشان می‌دهد. در همین راستا، پژوهشی

که اخیراً توسط بوکانان و همکاران (۲۰۲۵) بر اساس مرور ادبیات موجود در زمینه حسابداری و حسابرسی با تمرکز بر نقش برجسته‌ی صفات تاریک شخصیت در دنیای کسب‌وکار، به ویژه در تصمیم‌گیری‌های مالی انجام شده است؛ ضمن بررسی ردپای سه‌گانه تاریک شخصیت در چارچوب عملیاتی، گزارش‌دهی و اطمینان بخشی با تأکید بر اثرات بازگشتی آن‌ها بر صورت‌های مالی حسابرسی شده نشان می‌دهد، هر چند که ممکن است عناصر تشکیل دهنده سه‌گانه تاریک شخصیت مزیت‌هایی را در زمینه مهارت در مذاکره، رهبری جسورانه و قاطعیت در تصمیم‌گیری در پی داشته باشند اما غالباً با پیامدهای نامطلوب و زیان بار نظیر تقلب و دستکاری گزارش‌ها همراه هستند. لذا این افراد از پتانسیل بالاتری نسبت به سایرین در بهره‌مندی از اعمال مجرمانه، جنایتکارانه و خشونت‌آمیز در راستای کسب جایگاه و به دست آوردن منابع مادی و غیرمادی برخوردارند (مک‌دونالدو و همکاران، ۲۰۱۲). در همین راستا پژوهش‌ها نشان می‌دهد سه‌گانه‌ی تاریک شخصیت همبستگی مثبتی با جاه‌طلبی در حوزه سیاسی دارد به گونه‌ای که افراد با سطوح بالای سه‌گانه‌ی تاریک شخصیت شایستگی بیشتری را در خود جهت کسب جایگاه سیاسی احساس می‌کنند (پترسون و پالمر، ۲۰۱۹). از همین روی، جاه‌طلبی را می‌توان از جمله خصایص رهبری دانست (مارکز و دیمن، ۲۰۱۷). جاه‌طلبی به عنوان یک ویژگی شخصیتی میانی، متمایز از مدل‌های جامع شخصیت نظیر هگزاگو و مدل پنج عاملی است (جونز و همکاران، ۲۰۱۷). جاج و کامر-مولر (۲۰۱۲) جاه‌طلبی را نوعی صفت شخصیتی سطح دو می‌دانند و با تأکید بر تمایز آن از آرزوها و اهداف، جاه‌طلبی را تلاش مداوم و کلی برای موفقیت، دستیابی به اهداف و کسب دستاورد تعریف می‌کنند که محدود به حوزه خاصی نبوده و با دستیابی به سطح معینی از دستاوردها متوقف نمی‌شود و صرفاً نمایانگر تلاش برای کسب قدرت و ثروت است نه کسب رفاه عمومی و مقبولیت اجتماعی-عاطفی. به طور کلی، نشانه‌هایی که در سطوح بالای جاه‌طلبی دیده می‌شود اغلب شامل سطح انرژی قابل ملاحظه، بروز رفتارهای مقام‌طلبانه، عزم و اراده خستگی‌ناپذیر در راستای رسیدن به اهداف، تمرکز بر مأموریت خود و سطوح تعلل‌ناچیز است (جونز و همکاران، ۲۰۱۷). در حقیقت، افراد با جاه‌طلبی بالا به شدت به کسب اهداف ارزشمند و چشمگیر متعهد هستند (شاهین، ۲۰۲۵). این افراد عموماً از نظر سطح تحصیلات، اعتبار و مقبولیت شغلی و سطح درآمد به درجات بالاتری دست می‌یابند (جاج و کامر-مولر، ۲۰۱۲). با این وجود، نکته‌ی درخور توجه در ارتباط با جاه‌طلبی این است که، نیاز به تأیید و به رسمیت شناخته شدن توأم با حرص و طمع هسته‌ی مرکزی جاه‌طلبی را پایه‌ریزی می‌کنند (شاهین، ۲۰۲۵). به گونه‌ای که در قیاس با افراد با سطوح جاه‌طلبی پایین‌تر، افراد با سطوح بالاتر جاه‌طلبی تمایل بیشتری به انجام رفتارهای خودارتقائی دارند (رستا و همکاران، ۲۰۲۳). در همین راستا، بررسی ادبیات نشان

می‌دهد، جاه‌طلبی می‌تواند تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر نتایج شغلی داشته‌باشد و فرد را به سمت دست‌یابی به نتایج خاص، ترفیع و افزایش حقوق سوق دهد (جونز و همکاران، ۲۰۱۷). به طور مشابه، هیرشی و اسپورک (۲۰۲۱) به این نتیجه دست یافتند که جاه‌طلبی منجر به کشش افراد به سمت دست‌یابی به اهداف شغلی و تجربه رضایت ناشی از کسب دستاوردها می‌شود. با این وجود بررسی یافته‌های پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد، سطوح بالای جاه‌طلبی می‌تواند پیامدهای اخلاقی منفی به همراه داشته‌باشد و فرد را به ارتکاب رفتارهای غیر اخلاقی تشویق کند (اوریلی و پففر، ۲۰۲۵). به گونه‌ای که، شونه‌اجی و مولیدی (۲۰۲۲) در کنار عزم و هوش فردی، از جاه‌طلبی به عنوان خصیصه‌ای یاد می‌کنند که به شکل در خور توجهی افزایش دهنده‌ی تلاش‌های غیر قانونی افراد در خلال ارتکاب جرایم یقه‌سفید است. در همین راستا، پژوهش ادل و همکاران (۲۰۲۳) نشان می‌دهد، جاه‌طلبی رهبران منجر به رفتارهای متقلبانه زیر دستان می‌شود و این اثر در زیردستانی که خود از هویت رهبری بالایی برخوردارند شدیدتر است. در همین راستا، مطالعه گورک (۲۰۲۱) ضمن آشکار ساختن ارتباط میان جاه‌طلبی شغلی با ارتکاب رفتارهای غیر اخلاقی نشان می‌دهد مکانیسم انجام رفتارهای غیر اخلاقی در حیطه‌ی شغلی می‌تواند از طریق جاه‌طلبی قابل توضیح باشد، به گونه‌ای که ماکیاولیسم با برانگیختن جاه‌طلبی در قالب میل به کسب جایگاه برتر و ارتقاء سازمانی ساز و کار میانجی‌ای را شکل می‌دهد که از آن می‌توان جهت توضیح اثر ماکیاولیسم بر رفتارهای غیر اخلاقی استفاده کرد. به طور مشابه، یافته‌های پژوهشی که اخیراً توسط اوریلی و پففر (۲۰۲۵) انجام شد ضمن لزوم توجه به جنبه‌های تاریک جاه‌طلبی نشان می‌دهد، جاه‌طلبی می‌تواند با اعمال غیر اخلاقی همراه باشد.

پیشینه پژوهش‌های خارجی

نتایج پژوهش گوش و گرین (۱۹۹۶) با عنوان "بررسی تجربی استانداردهای اخلاقی و احتمال درک شده حسابرسی بر عدم انطباق عمدی" که بر روی ۵۴ دانشجوی کارشناسی رشته بازرگانی با تجربه تهیه اظهارنامه مالیاتی صورت گرفت، نشان می‌دهد که مؤلفه‌های اخلاقی و شخصیتی نظیر ماکیاولیسم پیش‌بینی‌کننده‌های معناداری برای عدم رعایت عمدی قوانین مالیاتی هستند. نتایج پژوهش ویکفیلد (۲۰۰۸) با عنوان "حسابداری و ماکیاولیسم" که بر روی ۱۹۸ پرسشنامه تکمیل شده از میان ۷۰۰ پرسشنامه توزیع شده میان فارغ‌التحصیلان حسابداری صورت پذیرفت، ضمن آشکار نمودن این نکته که ویژگی شخصیتی ماکیاولیستی به عنوان یک متغیر مهم بر انتخاب شغل و رفتار در محیط کار تأثیر می‌گذارد، نشان می‌دهد میان شخصیت ماکیاولیستی و گرایش به موضع اخلاقی نسبی گرایانه همبستگی مثبتی وجود دارد به این معنا که حسابداران با

سطح ماکیاولیسم بالا ممکن است تمایل داشته باشند که دستورالعمل‌های هنجاری گروهی را زمانی که تصمیمات و قضاوت‌ها با منافع شخصی در تضاد باشند، رد کنند.

نتایج پژوهش چن (۲۰۱۰) با عنوان "نقش رهبری اخلاقی در مقابل محدودیت‌های نهادی: مطالعه شبیه‌سازی گزارش‌های مالی نادرست توسط مدیران عامل" با بهره‌گیری از مدل‌های شبیه‌سازی کامپیوتری نشان می‌دهد، ترکیبی از خودشیفتگی و عدم صداقت مدیرعامل، انگیزه مالی، انتظارات سهامداران و همچنین سکوت زیردستان می‌تواند تا حد زیادی برخی از یافته‌های برجسته در رسوایی‌های اخیر حسابداری مالی را توضیح دهد. مضاف بر این، یافته‌های آن‌ها بر این نکته تأکید می‌کند که ماهیت و تأثیر رهبری اخلاقی به شکل چشمگیری تحت تأثیر محیط نهادی قرار گرفته و در فرهنگ‌ها و کشورهای مختلف متفاوت است.

نتایج پژوهش شافر و وانگ (۲۰۱۱) با عنوان "تأثیرات زمینه اخلاقی و ماکیاولیسم بر نگرش نسبت به مدیریت سود در چین" بر اساس یک نظرسنجی که از ۸۹ حسابدار شاغل در ۱۵ شرکت چند ملیتی واقع در شنژن و شانگهای چین انجام شده است. نشان می‌دهد، هرچه درک حسابداران از تأکید سازمانشان بر خدمت در راستای منافع عمومی قوی‌تر باشد، تمایل آن‌ها برای مدیریت سود حسابداری به طور قابل توجهی کاهش می‌یابد. همچنین پژوهش آن‌ها نشان داد در صورتیکه حسابداران دارای گواهینامه حرفه‌ای باشند، تمایل کمتری به پذیرش مدیریت سود دارند، در حالی که افراد ماکیاولیست آسان‌تر مدیریت سود را تأیید می‌کنند.

نتایج پژوهش دسوزا و دلیما (۲۰۱۵) با عنوان "جنبه تاریک قدرت: سه‌گانه تاریک در تصمیم‌گیری فرصت‌طلبانه" که به وسیله نظرسنجی از ۱۳۱ دانشجوی مدیریت کسب و کار صورت پذیرفت نشان می‌دهد، میان سطوح بالای ویژگی‌های سه‌گانه تاریک شخصیت با تصمیم‌گیری فرصت‌طلبانه رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

نتایج پژوهش بلیس و پرویسرز (۲۰۱۷) با عنوان "قدرت سمت تاریک: شخصیت، سه‌گانه تاریک و جاه‌طلبی سیاسی" که بر روی نمونه‌ای متشکل از ۶۸۱ دانشجو در کانادا صورت پذیرفت نشان می‌دهد، میان برونگرایی، گشودگی، ماکیاولیسم و خودشیفتگی با جاه‌طلبی سیاسی نوپا ارتباط مثبتی وجود دارد. یافته‌های برآمده از این پژوهش نشان می‌دهد ویژگی‌های شخصیتی تاریک‌تر به طور مداوم صلاحیت ادراک شده و موفقیت در یک حرفه سیاسی را پیش‌بینی می‌کنند.

نتایج پژوهش بیلی (۲۰۱۷) با عنوان "اختلالات روانی و نگرش دانشجویان حسابداری نسبت به شیوه‌های حرفه‌ای غیراخلاقی" که بر پایه ۲۵۳ پرسشنامه تکمیل شده توسط دانشجویان و فارغ‌التحصیلان حسابداری دانشگاه‌های خصوصی و دولتی فلوریدا انجام شد نشان می‌دهد،

جامعه‌ستیزی، با ماهیت ضداجتماعی شناخته‌شده‌اش، به طور قابل توجهی با نگرش‌های پذیرش انواع شیوه‌های اعمال غیر اخلاقی و تقلب مرتبط است.

نتایج پژوهش اینگرسول و همکاران (۲۰۱۹) با عنوان "قدرت، جایگاه و انتظارات: چگونگی بروز خودشیفتگی در میان مدیران عامل زن" که با استفاده از یک مجموعه داده منحصر به فرد در برگیرنده نمونه بزرگی از مدیران عامل شرکت‌های S&P 1500 از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۴ انجام شد، نشان می‌دهد مدیران عامل زن در مقایسه با هم‌تایان مرد خود، با احتمال کمتری ویژگی خودشیفتگی را از خود بروز می‌دهند. علاوه بر این، جنسیت، رابطه بین مدیران عامل خودشیفته و ریسک‌پذیری و رفتارهای مشکوک از بعد اخلاقی را تعدیل می‌کند.

نتایج پژوهش اوتامی و همکاران (۲۰۱۹) با عنوان "قصد کلاهبرداری و ماکیاولیسم: مطالعه تجربی مثلث کلاهبرداری" که از طریق یک طرح آزمایشی و با مشارکت ۳۰۹ دانشجوی رشته حسابداری انجام شد، نشان می‌دهد، قصد ارتکاب تقلب در افراد با فشار زندگی بالا، کنترل‌های داخلی ضعیف، توجیه عقلانی بالا و سطوح بالای ماکیاولیسم در افراد پر رنگ‌تر از افرادی است که فشار زندگی کمتری دارند و در شرایطی حضور دارند که کنترل‌های داخلی در آن قوی بوده‌است؛ همچنین سطوح توجیه عقلانی و ماکیاولیسم در آن‌ها کمتر است.

نتایج پژوهش ترایانتوره و همکاران (۲۰۲۰) با عنوان "سیستم افشاگری، شخصیت ماکیاولیستی، قصد ارتکاب تقلب" که بر اساس یک طرح تحقیق تجربی بر روی ۷۵ دانشجوی کارشناسی حسابداری انجام شد نشان می‌دهد قصد ارتکاب تقلب با نبود سیستم افشاگری افزایش می‌یابد. یافته‌های آن‌ها همچنین نشان می‌دهد که ماکیاولیسم بالاتر، قصد تقلب فردی را افزایش می‌دهد. نتایج پژوهش گورلک (۲۰۲۱) با عنوان "روشن کردن روابط بین ماکیاولیسم، جاه‌طلبی شغلی و قصد رفتار غیراخلاقی" که از طریق نظر سنجی از ۶۴۵ کارمندان و مدیران شاغل در صنعت هتل‌داری ترکیه در شهر آنتالیا صورت پذیرفت، ضمن تأکید بر جنبه‌های تاریک جاه‌طلبی نشان می‌دهد، میان جاه‌طلبی شغلی با انجام رفتارهای غیر اخلاقی ارتباط مستقیمی وجود دارد.

نتایج پژوهش موچمن و همکاران (۲۰۲۲) با عنوان "سه‌گانه تاریک شخصیت مدیریتی و دستکاری گزارشگری مالی" که از طریق یک نظر سنجی با مشارکت ۸۳۷ متخصص شاغل در بخش‌های حسابداری و مالی صورت پذیرفت نشان می‌دهد، سطوح بالای ویژگی‌های شخصیتی تاریک در مدیران، با شیوع بیشتر رویه‌های حسابداری متقلبانه در بخش‌های حسابداری و مالی مرتبط است و مکانیسم‌های سنتی مدیریت ریسک تنها تا حدی در کاهش این اثر مؤثر می‌باشند. نتایج پژوهش کان و همکاران (۲۰۲۴) با عنوان "تأثیر فشار بر قصد ارتکاب تقلب: نقش واسطه‌ای توجیه عقلانی و فرصت‌ها" که با مشارکت ۱۶۶ مدیر صورت پذیرفت نشان می‌دهد، فشار به‌طور مثبت با توجیه‌پذیری و قصد ارتکاب تقلب مرتبط است. علاوه بر این، رابطه بین فشار و قصد

تقلب تا حدی توسط توجیه‌پذیری و فرصت میانجی‌گری می‌شود. به طور مشابه، توجیه‌پذیری نیز تا حدی رابطه بین فشار و فرصت را میانجی‌گری می‌کند. این یافته‌ها نمایانگر این مهم است که فشار می‌تواند هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیر مستقیم از طریق توجیه‌پذیری و فرصت منجر به افزایش قصد ارتکاب تقلب شود.

نتایج پژوهش چولاکو و همکاران (۲۰۲۵) با عنوان "قصد تقلب و رابطه آن با خودخواهی: نقش واسطه‌ای توجیه اخلاقی در حرفه حسابداری" که با تمرکز بر نقش توجیه اخلاقی در مکانیسم اثر خودخواهی بر قصد ارتکاب تقلب بر روی ۲۴۰ حسابدار خبره صورت پذیرفت، علی‌رغم آنکه نتوانسته‌است شواهد متقنی را مبنی بر وجود رابطه مستقیم میان خودخواهی و قصد ارتکاب تقلب ارائه دهد، نقش واسطه‌ای توجیه اخلاقی را بر قصد ارتکاب تقلب آشکار می‌سازد و نشان می‌دهد ارتباط مثبتی میان خودخواهی و توجیه اخلاقی وجود دارد.

نتایج پژوهش آری و همکاران (۲۰۲۵) با عنوان "جمع‌گرایی و سه‌گانه تاریک شخصیت در تقلب بانکی" که با هدف بررسی تقلب کارکنان ناشی از عوامل روانشناختی و فرهنگی با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند از طریق نظرسنجی از پاسخ‌دهندگان در ۱۲۷ بانک روستایی در بالی انجام شد نشان می‌دهد، جمع‌گرایی و ویژگی‌های شخصیتی سه‌گانه تاریک تأثیر مثبتی بر تقلب کارکنان در بخش بانکی دارند.

نتایج پژوهش اوریلی و پففر (۲۰۲۵) با عنوان "جاه‌طلبی به عنوان یک شمشیر دولبه: موفقیت شغلی و رفتار غیراخلاقی" که از طریق سه مطالعه و با هدف بررسی جنبه‌های تاریک و روشن جاه‌طلبی از طریق نظرسنجی از ۵۰۰ بزرگسال شاغل انجام شد نشان می‌دهد، پاسخ‌دهندگانی که جاه‌طلب‌تر بودند، با احتمال بیشتری در رفتارهای غیراخلاقی که حول محور اقدامات انجام‌شده برای دستیابی به اهداف جاه‌طلبانه‌شان بود، مشارکت می‌کردند.

پیشینه پژوهش‌های داخلی

نتایج پژوهش نیکبخت و شیخ (۱۳۸۳) با عنوان "بررسی اهمیت شاخص‌های تقلب بالقوه مالی" که بر روی نمونه‌ای متشکل از ۲۱۰ مدیر مالی شاغل در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و ۲۰۸ حسابرس مستقل عضو جامعه حسابداران رسمی ایران در سال ۱۳۸۱ انجام گرفت، ضمن شناسایی ۴۲ عامل هشدار و طبقه‌بندی آن در ۵ دسته از قرار ریسک‌پذیری و خطر جویی، ویژگی‌های مدیریت، ویژگی‌های اقتصادی، بی‌ثباتی، ناتوانی و ناکافی بودن سودآوری و در نهایت ویژگی‌های ساختاری، نشان می‌دهد هر دو گروه یاد شده در ارتباط با عوامل هشدار با یکدیگر اتفاق نظر دارند.

نتایج پژوهش فرقاندوست حقیقی و همکاران (۱۳۹۳) با عنوان "مطالعه رابطه مدیریت سود و امکان تقلب در صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران" که بر روی نمونه‌ای متشکل از ۱۱۵ شرکت متقلب و نیز ۱۱۵ شرکت غیر متقلب در بازه زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۱ انجام پذیرفت، نشان می‌دهد احتمال ارتکاب تقلب در صورت‌های مالی شرکت‌های دارای سابقه مدیریت سود، بیشتر از همتایان فاقد سابقه مذکور است؛ همچنین در این شرکت‌ها حضور عوامل انگیزشی منجر به بالا رفتن احتمال وقوع تقلب می‌شود. این درحالیست که بدون وجود سابقه مدیریت سود، وجود عوامل انگیزشی ارتباط معناداری با ارتکاب تقلب ندارد.

نتایج پژوهش زارع بهنمیری و ملکیان کله بستی (۱۳۹۴) با عنوان "پیش‌بینی تقلب در صورت‌های مالی با استفاده از نسبت‌های مالی (مطالعه موردی: شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران)" که با هدف پیش‌بینی تقلب در صورت‌های مالی و ارزیابی بهتر گزارش حسابرس بر روی ۱۸۱ شرکت در بازه زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳ با رویکرد سلسله مراتبی انجام شد، نشان می‌دهد بندهایی از گزارش حسابرس که در ارتباط با بیش‌نمایی یا کم‌نمایی اقلام ترازنامه و صورت سود و زیان است در اولویت نخست پیش‌بینی تقلب و ارزیابی گزارش حسابرس قرار دارد. همچنین یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد وقوع تقلب با عملکرد شرکت‌ها دارای رابطه عکس و با نسبت بدهی، میزان بالای حساب‌های دریافتنی و تغییرات قابل توجه در نسبت جاری دارای رابطه مستقیم است.

نتایج پژوهش نمازی و ابراهیمی (۱۳۹۵) با عنوان "مدل‌بندی و تعیین اولویت عوامل مؤثر بر قصدگزارش تقلب‌های مالی توسط حسابداران" که بر روی نمونه‌ای متشکل ۱۷۰ نفر از کارکنان حسابداری شاغل در شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۹۴ انجام گرفت، نشان می‌دهد گزارشگری تقلب متأثر از عدالت سازمانی، نگرش در مورد گزارشگری، ویژگی شخصیتی فعال، دینداری و شدت اخلاقی است.

نتایج پژوهش حجازی و مختاری‌نژاد (۱۳۹۶) با عنوان "رابطه ساختار حاکمیت شرکتی با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه" که بر روی نمونه‌ای متشکل از ۱۰۹ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۴ انجام گرفت، نشان می‌دهد میان تخصص اعضاء هیأت‌مدیره، اثربخشی کمیته حسابرسی و همچنین اثربخشی اعضاء غیرموظف مستقل هیأت‌مدیره با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. همچنین یافته‌های حاصل نشان می‌دهد میان نسبت بدهی با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معناداری وجود دارد. مضاف براین، یافته‌های آن‌ها شواهد قابل قبولی را در ارتباط با وجود رابطه معنادار میان اندازه هیأت‌مدیره و اندازه شرکت با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه ارائه نمی‌دهد. نتایج پژوهش ایمر و گرکز (۱۳۹۷) که با عنوان "بررسی رابطه بین سه‌گانه تاریک شخصیت و تصمیم‌گیری فرصت طلبانه مدیران مالی در حسابداری" بر روی نمونه‌ای متشکل از ۱۱۷ نفر از مدیران مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۹۶ انجام گرفت، نشان می‌دهد میان سه‌گانه تاریک شخصیت و تصمیم‌گیری فرصت‌طلبانه مدیران مالی رابطه معناداری وجود دارد. که در سطوح بالای سه‌گانه تاریک شخصیت، احتمال تصمیم‌گیری فرصت‌طلبانه مدیران نسبت به سطوح ضعیف و متوسط قوی‌تر است.

نتایج پژوهش طاهری (۱۳۹۸) با عنوان "مقایسه مدل‌های مثلث، دیاموند و پنتاگون تقلب در ارزیابی ریسک تقلب" که با استفاده از نمونه‌گیری طبقه‌ای بر روی نمونه‌ای شامل ۲۵۲ تن از حسابداران رسمی شاغل در سازمان حسابرسی و مؤسسات حسابرسی انجام شد، نشان می‌دهد میام مدل‌های مثلث تقلب و دیاموند تقلب، مثلث تقلب و پنتاگون تقلب و نیز دیاموند تقلب و پنتاگون تقلب تفاوت ارزیابی ریسک معناداری وجود دارد. همچنین یافته‌های آن‌ها از مدل پنتاگون تقلب به عنوان بهینه‌ترین مدل حاضر از نظر تطابق با شرایط ایران پشتیبانی می‌کند.

نتایج پژوهش پسندیده‌فرد و همکاران (۱۳۹۹) با عنوان "شناسایی عوامل مؤثر بر گزارشگری مالی متقلبانه و نادرست با استفاده از روش فراترکیب" که با ارزیابی و بررسی نظام مند ۳۱۱ مورد از یافته‌های پژوهش‌های پیشین و پس از آن با اعمال نظر ۱۸ تن از خبرگان و اساتید از طریق توزیع و تجمیع پرسشنامه به منظور شناسایی اثرگذارترین عوامل بر گزارشگری مالی متقلبانه انجام شد، نشان می‌دهد عوامل یاد شده در دو دسته عوامل درون سازمانی و عوامل برون سازمانی قابل دسته‌بندی هستند. از جمله اهم عوامل دورن سازمانی می‌توان ویژگی‌های رفتاری، حرفه‌ای و ساختاری مدیریت، ویژگی‌های مالی، ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی، ویژگی‌های محیطی، اقتصادی، ساختاری، معاملاتی، تولیدی و عملیاتی شرکت و نیز ویژگی‌های مرتبط با خطاهای سیستمی و انسانی را نام برد. و نیز از جمله عوامل برون سازمانی می‌توان به عوامل

فرهنگی، سیاسی، اقتصادی (برون‌سازمانی)، محیطی (برون‌سازمانی)، عوامل قانونی و نظارتی (برون‌سازمانی)، عوامل مربوط به بازار سرمایه و ویژگی‌های حسابرسان مستقل اشاره نمود. نتایج پژوهش رضازاده و همکاران (۱۳۹۹) با عنوان "تأثیر خودکارآمدی، منبع کنترل و ویژگی‌های تاریک شخصیت بر گزارشگری مالی متقلبان" که بر روی ۳۵۲ تن از مدیران مالی و حسابداران شاغل در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران صورت گرفت، مؤید این امر است که ویژگی‌های تاریک شخصیت اعم از خودشیفتگی، ماکیاولیسم، جامعه‌ستیزی و سادیسم با گزارشگری مالی متقلبان رابطه مثبت و معناداری دارند، با این وجود یافته‌های آن‌ها شواهدی مبنی بر وجود رابطه میان خودکارآمدی و منبع کنترل با گزارشگری مالی متقلبان ارائه نداد. نتایج پژوهش بزرگ اصل و همکاران (۱۴۰۰) با عنوان "خودشیفتگی مدیرعامل و ریسک تقلب در گزارشگری مالی با تأکید بر نقش حسابرسان و کمیته حسابرسان" که بر مبنای داده‌های ۹۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۳ الی ۱۳۹۷ صورت پذیرفت، نشان می‌دهد میان خودشیفتگی مدیرعامل و ریسک تقلب در گزارشگری مالی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین تلاش حسابرسان، تخصص حسابرسان و رئیس کمیته حسابرسان رابطه یاد شده را تعدیل می‌کند.

نتایج پژوهش برنا و همکاران (۱۴۰۰) با عنوان "تبیین ابعاد مفهوم، مصادیق و قرائن تقلب در صورت‌های مالی: بر اساس روش تحلیل مضمون (تم)" که با هدف تبیین مفهوم، مصادیق و نشانه‌های تقلب در صورت‌های مالی با توجه به خلاءهای قانونی و نبود چارچوب نظری جامع در ایران انجام شد، حاکی از آن است که می‌توان تقلب را در سه بعد اصلی قانونی، معنوی و مادی دسته‌بندی نمود. همچنین تقلب دارای مصادیق پنج‌گانه از قرار اسناد جعلی، دستکاری ارقام، عدم افشای اطلاعات مهم، استفاده نادرست از استانداردهای حسابداری و سوءاستفاده از دارایی‌ها بوده و شامل قرائن (نشانه‌ها) مالی و غیر مالی است.

نتایج پژوهش دیان‌تی دیلمی و همکاران (۱۴۰۰) با عنوان "الگوی شناسایی اسناد و مدارک فیزیکی مشکوک به تقلب براساس مشخصات ظاهریشان" که از طریق مصاحبه با ۱۹ نفر از اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران، مدیران مالی و مدیران عامل، کارشناسان رسمی دادگستری و قوه قضائیه و حسابرسان دیوان محاسبات در سال ۱۳۹۸ صورت پذیرفت، نشان می‌دهد اسناد و مدارک مشکوک به تقلب را می‌توان در سه دسته جای داد؛ از قرار دسته اول اسناد به ظاهر بی‌نقص اما ناسازگار با سایر اسناد مشابه در همان بازه تاریخی، دسته دوم اسناد مخدوش، ناقص و مبهم و دسته سوم اسناد و مدارک در تناقض با سایر اطلاعات.

نتایج پژوهش همت‌فر (۱۴۰۱) که با عنوان "شخصیت مدیریتی سه‌گانه تاریک و دستکاری گزارشگری مالی" از طریق تجزیه و تحلیل ۱۲۸ پرسشنامه تکمیل شده به‌سیله مدیران مالی

شاغل در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال ۱۴۰۰ صورت پذیرفت، حاکی از این است که میان شخصیت مدیریتی سه‌گانه تاریک با دستکاری گزارشگری مالی رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

نتایج پژوهش حیدری و همکاران (۱۴۰۲) که تحت عنوان "رابطه میان ویژگی‌های صفات تاریک شخصیت در گرایش به رفتارهای متقلبانه: آزمون نظریه اعتماد اجتماعی" بر روی نمونه‌ای متشکل از ۲۴۹ نفر از ناظران درون سازمانی و برون سازمانی در سال ۱۴۰۰ صورت پذیرفت، نشان داد صفات تاریک شخصیت از جمله ماکیاولیسم، خودشیفتگی، جامعه‌ستیزی، دگرآزای و کینه‌توزی تأثیر مثبت معناداری در گرایش به رفتارهای متقلبانه دارد. همچنین یافته‌های حاصل شواهد متقنی را در ارتباط با نقش میانجی اعتماد اجتماعی ارائه نداد.

نتایج پژوهش زارع و همکاران (۱۴۰۳) که تحت عنوان "تأثیر پارانوئید سازمانی بر تقلب در نظام گزارشگری مالی با میانجی‌گری وفاداری سازمانی" بر روی نمونه‌ای متشکل از ۲۹۵ نفر از حسابداران و مدیران مالی شاغل در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال ۱۴۰۲ صورت پذیرفت، نشان می‌دهد پارانوئید سازمانی ارتباط مثبت و وفاداری سازمانی ارتباط منفی با رفتار متقلبانه دارد. همچنین پارانوئید سازمانی دارای رابطه منفی با وفاداری سازمانی است و وفاداری سازمانی نقش میانجی‌گر را در رابطه میان پارانوئید سازمانی و رفتار متقلبانه ایفا می‌کند.

نتایج پژوهش پوریوسف و ثقفی (۱۴۰۴) که تحت عنوان "مکعب تقلب و لحن غیرعادی مدیران" بر روی ۱۴۲ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰ صورت پذیرفت، نشان می‌دهد که به طور کلی معیارهای تقلب در برگیرنده‌ی انگیزه برای تقلب، فرصت برای تقلب، توجیه تقلب و قابلیت‌های فردی هستند که می‌توانند بر لحن مدیران اثرگذار باشند. به گونه‌ای که مدیران متقلب غالباً در گزارشگری خویش از لحن بیش از اندازه مثبت بهره می‌برند که خود نمایانگر لحن غیر عادی مدیران است.

همبستگی میان ویژگی‌های شخصیتی و جاه‌طلبی در حیطه‌ی شغلی در ادبیات موجود با استفاده از مدل پنج عاملی شخصیت بررسی شده است (جاج و کامر-مولر، ۲۰۱۲). با این حال، شواهد کمی در ارتباط با رابطه میان جنبه‌های تاریک شخصیت و جاه‌طلبی در حوزه کاری وجود دارد. از سوی دیگر، بررسی پیشینه پژوهش‌های خارجی و داخلی نشان می‌دهد، با وجود اینکه جاه‌طلبی به عنوان یک سازه شخصیتی دوگانه با ماهیت مطلوب و نامطلوب تلقی می‌شود (زو و همکاران، ۲۰۲۲). تاکنون بررسی جنبه‌های منفی و پیامدهای نامطلوب آن در زمینه شغلی و مطالعات سازمانی مقهور مانده است. این درحالیست که شخصیت‌های شرور

تاریخی نظیر استالین، هیتلر و مائو همگی افراد جاه‌طلبی بوده‌اند. لذا به وضوح می‌توان دریافت جاه‌طلبی جنبه‌های تاریکی دارد که کمتر مورد بررسی واقع گشته‌است (جونز و همکاران، ۲۰۱۷). به همین جهت، شکاف قابل ملاحظه‌ای در زمینه پیامدهای نامطلوب جاه‌طلبی در زمینه شغلی وجود دارد و نیازمند بررسی عمیق‌تری است که پژوهش حاضر از باب پر نمودن خلاء یاد شده صورت پذیرفته‌است.

از سوی دیگر، در راستای مقایسه پژوهش‌های صورت گرفته و تحلیل انتقادی در زمینه تقلب، به روشنی می‌توان دریافت اهمیت مطالعات در راستای بررسی و تبیین علائم و نشانه‌های تقلب، عوامل اثرگذار بر بروز رفتارهای متقلبانه، هشداردهی تقلب، تدوین مدل جامع تقلب متمرکز است. به عنوان نمونه مطالعه صورت گرفته توسط رضازاده و همکاران (۱۳۹۹) تنها به بررسی رابطه میان سه‌گانه تاریک شخصیت با گزارشگری مالی متقلبانه می‌پردازد، بی‌آنکه مکانیسم‌های میانجیگرانه موجود را در نظر بگیرد. دسته‌ای دیگری از مطالعات مانند برنا و همکاران (۱۴۰۰) به تبیین مفهوم، مصادیق و نشانه‌های وجود تقلب در صورت‌های مالی اقدام نموده‌اند و برخی دیگر مانند نمازی و ابراهیمی (۱۳۹۵) تنها به شناسایی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری تقلب پرداخته‌اند. از اینرو مطالعاتی که به بررسی مکانیسم‌های روانی و کانال‌های میانجیگری مرتبط با شکل‌گیری تقلب می‌پردازند، سهم اندکی از ادبیات را به خود اختصاص داده‌اند. به عنوان مثال مطالعه صورت گرفته توسط حیدری و همکاران (۱۴۰۲) نقش میانجیگرانه‌ی اعتماد اجتماعی را در رابطه میان صفات تاریک شخصیت با گرایش به رفتارهای متقلبانه بررسی می‌کند. به طور مشابه پژوهش زارع و همکاران (۱۴۰۳) نقش میانجیگرانه وفاداری سازمانی را در رابطه میان پارانوئید سازمانی گزارشگری مالی متقلبانه مورد مطالعه قرار می‌دهد که خود به خوبی مؤید فقدان پژوهش در زمینه کشف کانال‌های انگیزشی مؤثر در شکل‌گیری رفتارهای متقلبانه است. مضاف بر این، پژوهش حاضر با توجه به پیامدهای نامطلوب رخدادهای تقلب به جای تمرکز بر عمل تقلب که به طور معمول پس از وقوع مورد بررسی واقع می‌شود، بر نیت و قصد افراد پیش از انجام اعمال متقلبانه تمرکز دارد که کمتر مورد مطالعه واقع گشته‌است. از اینرو، در این پژوهش، علاوه بر اینکه رابطه میان عناصر سه‌گانه تاریک شخصیت با قصد ارتکاب تقلب مورد آزمون واقع شده‌است، سعی بر آن بوده تا با تکیه بر ادبیات موجود و ارائه‌ی مدلی میانجی، جنبه‌ای از پیامدهای نامطلوب جاه‌طلبی در قالب قصد ارتکاب تقلب مورد بررسی واقع گردد. شایان ذکر است در راستای ارائه‌ی شفاف‌تر و جامع‌تر نوآوری پژوهش و جنبه‌های دانش‌افزایی آن، مقایسه تحلیلی-انتقادی نسبت به مطالعات پیشین در جدول ۱ ارائه شده‌است.

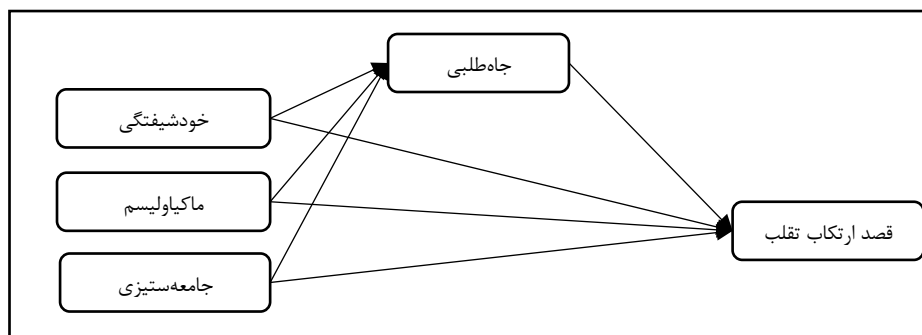
جدول ۱ جنبه‌های تمایز و نوآوری پژوهش

محور مقایسه	پژوهش‌های پیشین	وجه تمایز و نوآوری
جایگاه ویژگی‌های تاریک شخصیت	پژوهش‌های داخلی - بررسی رابطه مستقیم میان سه‌گانه تاریک شخصیت و تصمیم‌گیری فرصت‌طلبانه/گزارشگری مالی متقلبانه (ایمر و گرکز، ۱۳۹۷؛ رضازاده و همکاران، ۱۳۹۹)	- ارائه مدل میانجی، بررسی کانال‌های مستقیم و غیر مستقیم و چگونگی اثر سه‌گانه تاریک شخصیت بر قصد ارتکاب تقلب - ارائه هر سه عنصر سه‌گانه تاریک شخصیت در مدل پژوهش
	پژوهش‌های خارجی - بررسی رابطه مستقیم میان عناصر سه‌گانه تاریک شخصیت و تصمیم‌گیری فرصت‌طلبانه/گزارشگری مالی متقلبانه (د سوزا و دلیما، ۲۰۱۵؛ ژائو و همکاران، ۲۰۱۶؛ مودیک و همکاران، ۲۰۱۸؛ موچمن و همکاران، ۲۰۲۲؛ آری و همکاران، ۲۰۲۵) - بررسی تنها یکی از عناصر سه‌گانه تاریک شخصیت (ویکفیلد، ۲۰۰۸؛ شافر و وانگ، ۲۰۱۱؛ بیلی، ۲۰۱۷؛ اینگرسول و همکاران ۲۰۱۹؛ اوتامی و همکاران، ۲۰۱۹؛ ترایانتوره و همکاران، ۲۰۲۰)	
زمان وقوع تقلب	پژوهش‌های داخلی - عمدتاً پس از رخداد تقلب در قالب مطالعات متمرکز بر شناسایی عوامل مؤثر بر وقوع تقلب و علائم و نشانه‌های شناسایی تقلب در صورت‌های مالی، دسته‌بندی انواع تقلب، تبیین مدل تقلب (زارع بهنمیری و ملکیان کله بستی، ۱۳۹۴؛ فرقاندوست حقیقی و همکاران، ۱۳۹۳؛ نمازی و ابراهیمی، ۱۳۹۵؛ حجازی و مختاری نژاد، ۱۳۹۶؛ طاهری، ۱۳۹۸؛ پسندیده‌فرد و همکاران، ۱۳۹۹؛ برنا و همکاران، ۱۴۰۰؛ دیان‌تی دیلمی و همکاران، ۱۴۰۰)	- تمرکز بر شکل‌گیری نیت متقلبانه، قبل از وقوع تقلب (رویکرد پیش رویدادی)
	پژوهش‌های خارجی - بکارگیری رویکرد پس رویدادی در شناسایی عوامل مؤثر بر ظهور تقلب و اثرات آن بر صورت‌های مالی (موچمن و همکاران، ۲۰۲۲؛ کروز و همکاران، ۲۰۲۴؛ بوکانان و همکاران، ۲۰۲۵)	

محور مقایسه	پژوهش‌های پیشین	وجه تمایز و نوآوری
جایگاه جاه‌طلبی	پژوهش‌های داخلی - مطالعه مرتبطی که به طور خاص به بررسی رابطه جاه‌طلبی با رفتارهای غیراخلاقی نظیر ارتکاب تقلب پرداخته باشد، در ادبیات داخلی یافت نشد.	- بررسی نقش میانجی‌گرانه جاه‌طلبی، در رابطه با هر سه ویژگی تاریک شخصیت
	پژوهش‌های خارجی - ارتباط میان سه‌گانه تاریک شخصیت با جاه‌طلبی سیاسی نوپا (بلیس و پرویسرز، ۲۰۱۷) - ارتباط ماکیاولیسم با جاه‌طلبی در زمینه شغلی و ارتباط جاه‌طلبی با رفتارهای غیر اخلاقی (گورلک، ۲۰۲۱؛ اوریلی و پففر، ۲۰۲۵)	
جامعه آماری	پژوهش‌های داخلی - متمرکز بر مدیران، به طور خاص مدیر عامل یا مدیر مالی (بزرگ اصل و همکاران، ۱۴۰۰؛ همت‌فر، ۱۴۰۱؛ پوریوسف و ثقفی، ۱۴۰۴)	- استفاده از نمونه عملیاتی و دارای سابقه شغلی از میان اعضاء جامعه‌ی حرفه‌ای - دربرگیرنده طیف وسیعی از حسابداران و مدیران - ارائه تحلیل چند گروهی در دو سطح عملیاتی و ارشد-مدیریتی
	پژوهش‌های خارجی - متمرکز بر مدیران، به طور خاص مدیر عامل (چن، ۲۰۲۰؛ اینگرسول و همکاران، ۲۰۱۹؛ موچمن و همکاران، ۲۰۲۲؛ کان و همکاران، ۲۰۲۴) - متمرکز بر دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاهی (گوش و گرین، ۱۹۹۶؛ ویکفیلد، ۲۰۰۸؛ بیلی، ۲۰۱۷؛ دسوزا ودلیما، ۲۰۱۵؛ اوتامی و همکاران، ۲۰۱۹؛ تراپانتوره و همکاران، ۲۰۲۰)	

لازم به ذکر است تا آنجاییکه نویسندگان این مقاله اطلاع دارند، پژوهش حاضر از جمله معدود پژوهش‌هایی در ایران است که با رویکردی پیش رویدادی رابطه میان جاه‌طلبی با قصد ارتکاب تقلب را مورد آزمون قرار می‌دهد و بر آن بوده تا ضمن ارائه تصویری دقیق‌تر از مکانیسم اثر جاه‌طلبی در رابطه میان سه‌گانه تاریک شخصیت با قصد ارتکاب تقلب، نقش میانجی‌گرانه جاه‌طلبی را در رابطه یاد شده بررسی کند و شکاف موجود در ادبیات حاضر را پر نماید.

شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش (محقق ساخته)



۳- فرضیه‌های پژوهش

بر مبنای مدل تعاملی فرد-موقعیت (تروینوه، ۱۹۸۶) در ارتباط با تصمیم‌گیری اخلاقی، اعمال غیراخلاقی تنها ماحصل واکنش به فرصت‌های موجود در محیط نیست، بلکه حاصل تعامل هم‌زمان ویژگی‌های فردی شخص و محیط است. سه‌گانه تاریک شخصیت که به هسته مشترک بدخواهانه سه ویژگی ماکیاولیسم، خودشیفتگی و جامعه‌ستیزی اشاره دارد (بوکانان و همکاران، ۲۰۲۵)؛ از باب ماهیت شخصیتی سرد، خودخواهانه و فریبکارانه خود عموماً منفی تلقی می‌شود (پائولوس و ویلیامز، ۲۰۰۲)؛ و به طور خاص تئوریزه شده‌است تا تسهیل‌کننده تاکتیک‌های اجتماعی کوتاه مدت و استثمارگرانه باشد (کرایسل و همکاران، ۲۰۱۳). به طور کلی تحقیقات گسترده از این ایده پشتیبانی می‌کند که عناصر تشکیل‌دهنده سه‌گانه تاریک شخصیت بر بروز رفتارهای خودخواهانه نظیر دروغ‌گویی و تقلب که غالباً در زمینه‌های حسابداری منفی تلقی می‌شوند مؤثر هستند (بوکانان و همکاران، ۲۰۲۵). به گونه‌ای که، ماکیاولیست‌ها عمل به چارچوب‌های اخلاقی را نه صرفاً بر مبنای درستی آن، بلکه بر اساس سودمندی ابزاری جهت نیل به اهداف بررسی می‌کنند (ایگان و همکاران، ۲۰۱۵؛ گورلک، ۲۰۲۱). از اینرو مادامی که احتمال شناسایی و مجازات ارتکاب تقلب در نظر فرد کم باشد ارتکاب اعمال متقلبانه عقلانی تلقی می‌گردد (هریسون و همکاران، ۲۰۱۸). افراد با سطح بالای خودشیفتگی از باب ادراک استحقوق و حفظ ظاهر قدرتمند و بزرگانگانه‌ی خویش، قوانین و مقررات را صرفاً محدودیت‌هایی بر می‌شمارند که شامل حال دیگران می‌شود (غدیری صورمان آبادی و همکاران، ۱۴۰۳) و از اینرو هنگام تجربه ناکامی در کسب تأیید بیرونی از تقلب به عنوان ابزاری کارآمد جهت جبران کمبود یاد شده حتی به زیان دیگران بهره می‌برند (موشاگن و همکاران، ۲۰۱۸). افراد جامعه‌ستیز به جهت فقدان احساس همدلی، ندامت و اضطراب، فاقد مکانیسم‌های بازدارنده هیجانی و اخلاقی

هستند (پائولوس و ویلیامز، ۲۰۰۲). از اینرو به هنگام مشاهده موقعیت‌های مناسب جهت کسب پاداش‌های فوری و سهل الوصول به سرعت و بدون در نظر گرفتن مناسبات اخلاقی به سمت آن کشیده می‌شوند (ایگان و همکاران، ۲۰۱۵؛ هریسون و همکاران، ۲۰۱۸). از طرفی، بر مبنای تئوری الماس ثقل، وقوع ثقل وابسته به گردهمایی چهار عنصر فشار، فرصت، توجیه و شایستگی است (ولف و هرمانسون، ۲۰۰۴)؛ شخصیت‌های تاریک در رکن فرصت، توجیه و شایستگی بسیار قوی عمل می‌کنند (هریسون و همکاران، ۲۰۱۸). لذا سه‌گانه‌ی تاریک شخصیت از باب ماهیت بدخواهانه، پر خطر و ضد اجتماعی خود می‌تواند به عنوان پیشران‌ی اصلی مدل‌های رفتاری ثقل عمل کند. به گونه‌ای که خودشیفتگی محرک اقدام به اعمال غیر اخلاقی بوده و توانایی ارتکاب موفقیت آمیز اعمال غیر اخلاقی توسط شخص را در نظر او برجسته می‌کند، ماکیاولیسم علاوه بر تحریک به ارتکاب اعمال غیر اخلاقی محرک تغییر برداشت‌ها در ارتباط با فرصت‌های موجود برای فریب دیگران است و در نهایت جامعه‌سستیزی تأثیر قابل توجهی بر چگونگی توجیه رفتار متقلبانه توسط شخص دارد (هریسون و همکاران، ۲۰۱۸). لذا با توجه به مکانیسم‌های یاد شده فرضیه‌های زیر متصورند که:

- فرضیه ۱:** میان خودشیفتگی و قصد ارتکاب ثقل ارتباط مثبت و معناداری برقرار است.
- فرضیه ۲:** میان ماکیاولیسم و قصد ارتکاب ثقل ارتباط مثبت و معناداری برقرار است.
- فرضیه ۳:** میان جامعه‌سستیزی و قصد ارتکاب ثقل ارتباط مثبت و معناداری برقرار است.
- اگرچه جاه‌طلبی همراه با تمایلات پیشرفت‌گرایانه و رشدگرایانه است (اشبی و شون، ۲۰۱۰)، صفات تاریک شخصیت از پتانسیل بالایی جهت فعال‌سازی ابعاد خودمحوانه و منزلت‌جویانه آن، با هدف کسب جایگاه، قدرت و برتری نسبت به دیگران برخوردار است (بلیس و پرویسر، ۲۰۱۷؛ دیویس و ویانکورت، ۲۰۲۳). از اینرو عناصر تشکیل دهنده سه‌گانه تاریک شخصیت با مادی‌گرایی و تمایل به کسب قدرت همبستگی مثبتی را نشان می‌دهند (لی و همکاران، ۲۰۱۳). افراد با شخصیت ماکیاولیستی در راستای کسب سلطه و افزایش کنترل خود بر منابع و موقعیت‌ها دارای انگیزه‌های قدرت‌طلبانه و برتری‌جویانه هستند چراکه از دید آن‌ها دستیابی به بقا و نفوذ منوط به جایگاه اجتماعی بالاست (دیویس و ویانکورت، ۲۰۲۳). افراد با سطوح خودشیفتگی بالا جهت نیاز به احساس تأیید و تحسین به دنبال اهدافی هستند که آن‌ها را در معرض دید قرار می‌دهد، لذا به سهولت می‌توان دریافت جاه‌طلبی آن‌ها متأثر از تمایلات برتری‌جویانه و میل به کسب مقام، شهرت و حصول موفقیت جهت تصویر ارزشمند در نظر خود و دیگران بروز می‌یابد (دیویس و ویانکورت، ۲۰۲۳؛ شاهین، ۲۰۲۵). از طرفی، افراد با ویژگی جامعه‌سستیزی ممکن است به جهت هیجان‌خواهی و تحریک‌پذیری در برابر کسب پاداش‌های سریع توأم با هیجان، جاه‌طلبی را در

قالب نوعی رقابت هیجان‌انگیز دنبال کنند (بلیس و پرویسرز، ۲۰۱۷). از اینرو افراد با سطوح بالاتر ویژگی‌های تاریک شخصیت، میل و انگیزه قوی‌تری را نسبت به رقابت‌های قدرت‌طلبانه و کسب جایگاه‌های برتر از خود نشان می‌دهند (دیلمر و همکاران، ۲۰۲۱؛ دیویس و ویانکورت، ۲۰۲۳). از اینرو، با در نظر گرفتن ماهیت رقابتی و سلسله‌مراتبی حاکم بر حرفه حسابداری که در آن دستیابی به سطوح مدیریتی ارشد و کسب قدرت سازمانی فرایندی رقابتی بوده و علاوه بر توانمندی حرفه‌ای مستلزم میل به پیشرفت، دستیابی به قدرت و کسب منصب است، این انتظار وجود دارد که ساز و کاری مشابه در این حوزه نیز مشاهده گردد. لذا، فرضیه‌های زیر متصورند که:

فرضیه ۴: میان خودشیفتگی و جاه‌طلبی ارتباط مثبت و معناداری برقرار است.

فرضیه ۵: میان ماکیاولیسم و جاه‌طلبی ارتباط مثبت و معناداری برقرار است.

فرضیه ۶: میان جامعه‌ستیزی و جاه‌طلبی ارتباط مثبت و معناداری برقرار است.

یکی از عوامل روانشناختی که به توضیح رفتارهای غیراخلاقی کمک می‌کند، جاه‌طلبی و شکل خاصی است که در حیطه‌ی کاری به خود می‌گیرد (اوریلی و پففر، ۲۰۲۵). به گونه‌ای که، سطوح بالای جاه‌طلبی با ترغیب به رقابت بیشتر ممکن است فرد را به انجام رفتارهای غیراخلاقی تشویق کند (هیگز، ۲۰۰۹). افراد جاه‌طلب، بیشتر به دنبال کسب قدرت و نفوذ هستند و با احتمال بالاتری در سازمان‌ها به قدرت دست می‌یابند و ممکن است در راستای تحقق اهداف مقام‌طلبانه‌شان غیراخلاقی رفتار کنند (اوریلی و پففر، ۲۰۲۵). در حقیقت، جاه‌طلبی افراد را بیشتر بر اهداف نهایی و کسب موفقیت شخصی متمرکز می‌سازد (وینگرو و فیتزسیمونز، ۲۰۲۲)؛ تا بر ابزارهایی که برای دستیابی به آن اهداف در نظر گرفته شده‌اند، در حقیقت جاه‌طلبی در قالب یک پیشران انگیزشی عمل می‌کند که فرد را به سمت اهداف متعالی سوق می‌دهد و زمانی به پیامدهای غیر اخلاقی می‌انجامد که نتیجه یا هدف به صورتی افراطی ارزش‌گذاری شود و به تبع آن قواعد و روند دستیابی به آن از اهمیت خارج می‌شود (هیگز، ۲۰۰۹؛ اوریلی و پففر، ۲۰۲۵). که این امر می‌تواند پذیرش تفکر «هدف وسیله را توجیه می‌کند» را در نظر شخص توجیه پذیر نماید. به گونه‌ای که افراد مایل باشند در راستای دستیابی به اهداف جاه‌طلبانه خود، معیارهای اخلاقی را نادیده بگیرند (گورلک، ۲۰۲۱؛ اوریلی و پففر، ۲۰۲۵). لذا می‌توان استنباط نمود، از آن جهت که قدرت هم عامل و هم محصول موفقیت است، جاه‌طلب بودن ارتباط قوی با نیاز به کسب قدرت دارد و این نیاز شدید به قدرت و کسب موفقیت می‌تواند سوق دهنده افراد به سمت انجام اعمال ناقض قانون به ویژه در فرایندهای مرتبط با ارتقاء در کار باشد (فرنهام، ۲۰۲۱). زیرا، افراد جاه‌طلب مداوماً به مقایسه دستاوردها خویش با دیگران می‌پردازند و به دنبال پیشی گرفتن از آن‌ها هستند (شاهین، ۲۰۲۵)، از این‌رو در صورت احساس نیاز، به رفتار

غیراخلاقی و تقلب به عنوان ابزاری نگاه می‌کنند که منجر به یک پاسخ فوری به فشار حاصله از رقابت می‌گردد و برای فرد این امکان را فراهم می‌سازد تا به اهداف خود دست یابد (اوریلی و پففر، ۲۰۲۵). لذا با توجه به آنچه ذکر شد این انتظار وجود دارد، سطوح بالای جاه‌طلبی میل به تقلب را از حیث وجود تمایل شدید به کسب قدرت و موفقیت که الزاماً مقید به چارچوب‌های مقبولیت و رفاه اجتماعی نیست و موکداً بر منافع شخصی متمرکز است افزایش دهد، از همین روی فرضیه‌ی زیر متصور است که:

فرضیه ۷: میان جاه‌طلبی و قصد ارتکاب تقلب ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

به طور حتم، برای درک کامل‌تر رابطه میان سه‌گانه‌ی تاریک شخصیت و قصد ارتکاب تقلب، بررسی مکانیسمی که این رابطه از طریق آن روی می‌دهد، ضروری است. به اعتقاد ساتلر و لیندن (۲۰۲۱) وجود یک میل قوی توأم با شخصیتی که منافع شخصی را در اولویت قرار می‌دهد، می‌تواند منجر به رفتارهای متقلبانه شود. سه‌گانه تاریک شخصیت عمدتاً با بروز رفتارهای غیر اخلاقی در ارتباط است (هریسون و همکاران، ۲۰۱۸). با این حال پژوهش‌های معاصر نشان می‌دهند مکانیسم اثر ویژگی‌های شخصیتی بر شکل‌گیری رفتارهای متقلبانه، دربرگیرنده‌ی مسیرهای شناختی و انگیزشی است (دلپورتاس، ۲۰۱۳؛ ژائو و همکاران، ۲۰۱۶؛ دیویس و ویانکورت، ۲۰۲۳؛ چولاکو و همکاران، ۲۰۲۵). جاه‌طلبی در قالب یک سازه انگیزشی متمرکز بر انتخاب اهداف بلندپروازانه و کسب موفقیت است (جاج و کامر-مولر، ۲۰۱۲)؛ به طور معمول در افراد با ویژگی‌های تاریک شخصیت، همراه با نادیده گرفتن هنجارهای اخلاقی است (دیویس و ویانکورت، ۲۰۲۳؛ اوریلی و پففر، ۲۰۲۵)؛ و صرفاً بر کسب نتیجه تمرکز دارد (گورلک، ۲۰۲۱). لذا، افراد دارای این صفات از حیث نیاز به قدرت، برتری، احساس شایستگی، استحقاق و فقدان همدلی، صرف نظر از اخلاقی بودن یا نبودن یک رفتار، ممکن است در راستای کسب اهداف خودمحورانه خویش جنبه‌ی تاریکی از جاه‌طلبی را فعال کنند که در آن هدف توجیه‌کننده هر وسیله‌ای است. در چنین شرایطی جاه‌طلبی با تشدید میل درونی جهت رسیدن به اهداف، مکانیسم‌های اخلاقی بازدارنده را در راستای عدم تعهد به رفاه جمعی غیرفعال می‌کند (گورلک، ۲۰۲۱؛ اوریلی و پففر، ۲۰۲۵). از سوی دیگر، بر مبنای تئوری رفتار برنامه ریزی شده آجزن (۱۹۹۱)، قصد ارتکاب یک رفتار تابع سه مؤلفه اصلی است. در وهله نخست، نگرش به رفتار (ارزیابی پیامدهای مثبت و منفی رفتار)، در وهله دوم، هنجارهای ذهنی (فشارهای اجتماعی ادراک شده)، و در وهله آخر، کنترل رفتاری درک شده (احساس توانمندی اجرای یک رفتار). لذا انتظار بر این است افراد با ویژگی‌های سه‌گانه تاریک شخصیت متأثر از اندیشه‌های جاه‌طلبانه خویش، تقلب را به عنوان ابزاری کارآمد جهت فائق آمدن بر رقبا و دستیابی سریع به موفقیت ارزیابی کنند، لذا، نگرش مثبت‌تری نسبت به آن پیدا می‌کنند. از طرفی جاه‌طلبی در این افراد

می‌تواند منجر به تلقی فرد از هنجارمند بودن یک رفتار متقلبانه در نظر مراجع اجتماعی منتخب او شود که دستیابی به اهداف برجسته را بر درستی روش رسیدن به آن ترجیح می‌دهند. در نهایت افراد جاه‌طلب با ویژگی‌های تاریک شخصیت، از حیث اطمینان بیش از اندازه به قابلیت‌های فریبکارانه‌ی خود، با نفی احتمال شناسایی شدن، برآورد بالاتری از توانمندی خود جهت ارتکاب رفتارهای متقلبانه دارند. از اینرو انتظار بر این است، جاه‌طلبی در افراد با ویژگی‌های سه‌گانه تاریک شخصیت با تقویت مؤلفه‌های شناختی نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده آجزن (۱۹۹۱) منجر به شکل‌گیری قصد ارتکاب تقلب شود. لذا با توجه به آنچه پیش از این ذکر شد می‌توان استنباط نمود سطوح بالای ماکیاولیسم، خودشیفتگی و جامعه‌ستیزی با برانگیختن جاه‌طلبی در قالب میل طماعانه جهت دستیابی به قدرت و جایگاه برتر مسیرهای شناختی و انگیزشی لازم را جهت میل به انجام رفتار متقلبانه فعال می‌سازد؛ از این‌رو فرضیه‌های زیر متصور است که:

فرضیه ۸: جاه‌طلبی رابطه میان خودشیفتگی و قصد ارتکاب تقلب را میانجی‌گری می‌کند.

فرضیه ۹: جاه‌طلبی رابطه میان ماکیاولیسم و قصد ارتکاب تقلب را میانجی‌گری می‌کند.

فرضیه ۱۰: جاه‌طلبی رابطه میان جامعه‌ستیزی و قصد ارتکاب تقلب را میانجی‌گری می‌کند.

۴- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نقطه نظر نتیجه اجرا در دسته‌ی تحقیقات کاربردی و نیز از منظر فرآیند اجرا به عنوان یک پژوهش کمی طبقه‌بندی می‌گردد. همچنین، از حیث هدف اجرا و شیوه‌ی گردآوری داده‌ها و تحلیل اطلاعات در قالب پژوهش توصیفی-پیمایشی از شاخه مطالعات میدانی به شمار می‌آید. و نیز، از لحاظ بعد زمانی، به عنوان پژوهش مقطعی دسته‌بندی می‌شود؛ همچنین، در راستای نگارش ادبیات و پیشینه پژوهش از روش کتابخانه‌ای بهره جسته‌است. شایان ذکر است، پژوهش حاضر با رویکرد مقطعی در تابستان ۱۴۰۴ انجام پذیرفته‌است. هدف از اتخاذ این رویکرد بررسی همزمان متغیرهای "سه‌گانه تاریک شخصیت"، "جاه‌طلبی" و "قصد ارتکاب تقلب" در یک جامعه بزرگ از حسابداران و مدیران است.

با در نظر گرفتن این نکته که ارتکاب رفتارهای متقلبانه در تمام طیف‌های سازمانی قابل مشاهده است و محدود به رده خاصی نیست، لذا جامعه آماری پژوهش، تمام رده‌های سازمانی در امور مالی را در بر می‌گیرد. از این‌رو جامعه آماری پژوهش متشکل از حسابداران و مدیران اعم از کمک حسابداران، حسابداران، حسابداران ارشد، مدیران مالی و مدیران عامل شاغل در شرکت‌ها و مؤسسات خصوصی و دولتی در شهرهای تهران و مشهد می‌باشد. از حیث فقدان آمار قابل اتکا از تعداد دقیق اعضای جامعه‌ی آماری پژوهش و نیز با توجه به عدم دسترسی پژوهشگران به فهرست

کاملی از اعضای جامعه‌ی آماری مورد نظر، از روش نمونه‌گیری در دسترس^۱ استفاده شد. این روش یکی از مرسوم‌ترین و متداول‌ترین روش‌ها جهت جمع‌آوری نمونه مورد نیاز در پژوهش‌های تجربی مکتبی بر ابزار پرسشنامه در میان جامعه حسابداران می‌باشد؛ که از باب علل یاد شده غیر قابل اجتناب است. همچنین، حداقل حجم نمونه لازم جهت انجام امور تجزیه و تحلیل آماری از طریق فرمول کوکران برابر با ۳۸۴ پرسشنامه تعیین شده‌است. پرسشنامه‌ها به صورت حضوری در محیط‌های کاری، همایش‌های حرفه‌ای، ادارات و شرکت‌های مختلف واقع در این دو شهر، میان افرادی که مایل به همکاری بودند توزیع و پس از تکمیل جمع‌آوری گردید. در نهایت تعداد ۳۸۶ پرسشنامه واجد شرایط از ۴۳۵ پرسشنامه توزیع شده انتخاب شد که حجم نمونه کافی جهت انجام اهداف پژوهش را فراهم می‌سازد. سایر پرسشنامه‌ها از باب عدم تمایل به تکمیل، انتخاب پاسخ‌های یکسان برای تمام سوال‌ها، پاسخ‌دهی به صورت الگودار (یکی در میان، دوتا در میان) به تمامی سوال‌ها، با احتیاط کامل و پس از بازرسی مجدد در راستای جلوگیری از مخدوش‌سازی نتایج از روند پژوهش کنار گذاشته شدند.

در این پژوهش قصد ارتکاب تقلب به عنوان متغیر وابسته، سه صفت خودشیفتگی، ماکیاولیسم و جامعه‌ستیزی به عنوان متغیرهای مستقل و جاه‌طلبی در قالب متغیر میانجی مورد مطالعه قرار گرفته‌است. جزئیات هر یک از پرسشنامه‌ها در ادامه ارائه شده‌است. جهت سنجش متغیرهای "خودشیفتگی"، "ماکیاولیسم" و "جامعه‌ستیزی" به عنوان متغیرهای وابسته‌ی پژوهش از پرسشنامه جونز و پائولوس (۲۰۱۴) استفاده شده‌است. پرسشنامه مذکور حاوی بیست و هفت گویه از قرار نه گویه جهت سنجش خودشیفتگی، نه گویه جهت سنجش ماکیاولیسم و نه گویه جهت سنجش جامعه‌ستیزی با طیف لیکرت پنج درجه‌ای از کاملاً موافق (امتیاز ۵) تا کاملاً مخالف (امتیاز ۱) برای گویه‌های عادی و کاملاً موافق (امتیاز ۱) تا کاملاً مخالف (امتیاز ۵) برای گویه‌های معکوس می‌باشد. پرسشنامه جونز و پائولوس (۲۰۱۴) به طور گسترده در پژوهش‌های حسابداری و مدیریت نظیر پژوهش کرکوفس و همکاران (۲۰۲۱) و اولریچ و چولاکو (۲۰۲۵) جهت سنجش خودشیفتگی، ماکیاولیسم و جامعه‌ستیزی مورد استفاده قرار گرفته‌است. در راستای سنجش "جاه‌طلبی"، پژوهش حاضر از پرسشنامه هیرشی و اسپورک (۲۰۲۱) بهره برده‌است، این پرسشنامه حاوی پنج گویه با طیف لیکرت پنج درجه‌ای از کاملاً موافق (امتیاز ۵) تا کاملاً مخالف (امتیاز ۱) می‌باشد. پرسشنامه مذکور در پژوهش زو و همکاران (۲۰۲۲) و موکرچی و داتا (۲۰۲۴) مورد استفاده قرار گرفته‌است. به منظور سنجش "قصد ارتکاب تقلب"، پژوهش حاضر از پرسشنامه آجن (۱۹۹۱) استفاده نموده‌است، پرسشنامه مذکور حاوی سه گویه با طیف

^۱ Convenience Sampling

لیکرت پنج درجه‌ای از کاملاً موافق (امتیاز ۵) تا کاملاً مخالف (امتیاز ۱) است. پرسشنامه مذکور در پژوهش چولاکو و همکاران (۲۰۲۵) جهت سنجش قصد ارتکاب تقلب در میان حسابداران خبره مورد استفاده قرار گرفته‌است.

شایان ذکر است، پرسشنامه‌های مربوط به سنجش متغیرهای پژوهش از میان پرسشنامه‌های استاندارد به کار رفته در پژوهش‌های پیشین با بیشترین قرابت به جامعه آماری مورد نظر انتخاب گشته‌اند. از این‌رو، روایی^۱ و پایایی^۲ ابزار اندازه‌گیری پژوهش توسط پژوهش‌های پیشین تأیید شده‌است. با این وجود، جهت حصول اطمینان از صحت نتایج به دست آمده، ابتدای امر می‌بایست ویژگی‌های فنی ابزار اندازه‌گیری مورد استفاده در پژوهش به صورت دقیق مورد بررسی واقع شود. همانطور که پیش‌تر اشاره شد، این ویژگی‌های فنی در برگیرنده دو بعد روایی و پایایی می‌باشد. لذا، جهت دستیابی به این مهم، از حیث کسب اطمینان از روایی پرسشنامه‌های پژوهش، روایی محتوا^۳، روایی همگرا^۴، روایی واگرا^۵ و همچنین جهت تأیید پایایی پرسشنامه‌های مذکور، ضریب آلفای کرونباخ^۶ و پایایی ترکیبی^۷ محاسبه و مورد بررسی واقع شده‌است.

شایان ذکر است، ابتدا در راستای ترجمه صحیح و قابل اتکا پرسشنامه‌های مورد استفاده در پژوهش، چهار مرحله اصلی در فرایند ترجمه مد نظر قرار گرفت. در گام نخست نسخه اصلی انگلیسی توسط دو مترجم مسلط به زبان انگلیسی به زبان فارسی برگردان شد؛ در گام دوم نسخه‌های ترجمه شده توسط محققین از نظر تطابق و تناسب علمی بازبینی گردید و پس از توافق نظر، نسخه فارسی تهیه شد. در گام سوم نسخه فارسی مورد توافق در اختیار دو تن از مترجمین بومی مسلط به زبان انگلیسی قرار گرفت و مجدداً به زبان انگلیسی برگردان شد. در گام آخر در راستای قیاس مفهومی، نسخه انگلیسی ثانویه با نسخه اصلی مقایسه گشت. پس از اطمینان از عدم واگرایی علمی و مفهومی و همچنین صحت سنجش ابزار جمع‌آوری اطلاعات پژوهش، نسخه اولیه تثبیت شد.

در گام بعد، جهت تأیید روایی محتوا، در راستای حصول اطمینان از تناسب ابزار اندازه‌گیری پژوهش، پیش‌نویس اولیه پرسشنامه در اختیار سه تن از اساتید و خبرگان حرفه قرار گرفت. پس از دریافت بازخوردهای سازنده و حصول اطمینان از وضوح گویه‌ها، ارتباط گویه‌ها با اهداف

¹ Validity

² Reliability

³ Content Validity

⁴ Convergent Validity

⁵ Discriminant Validity

⁶ Cronbach's Alpha

⁷ Composite Reliability

پژوهش و عدم ابهام در اصطلاحات، تغییرات لازم اعمال گردید و نسخه نهایی پرسشنامه تدوین گشت. لذا، برخورداری پرسشنامه از روایی محتوای لازم تأیید شد.

جهت ارزیابی و حصول اطمینان از روایی سازه باید نشان داده شود که روایی همگرا و روایی واگرا، هر دو صادق است (سورو، ۲۰۲۰). روایی همگرا با تأیید وجود همبستگی بالای شاخص‌های مرتبط با یک سازه با همان سازه نشان می‌دهد که تمامی شاخص‌ها یک مفهوم مشترک را اندازه‌گیری می‌نمایند و اصطلاحاً به شکلی همگرا به سنجش همان سازه می‌پردازند (سورو، ۲۰۲۰). روایی واگرا در راستای اطمینان از تمایز سازه‌های پنهان از یکدیگر به کار می‌رود، به این معنا که شاخص‌های مرتبط با یک سازه مشخص همبستگی اندکی با سازه‌های دیگر دارند (سورو، ۲۰۲۰). در حقیقت این تمایز به طور خاص نشان می‌دهد سازه‌هایی که از لحاظ نظری از یکدیگر متمایزند در واقعیت نیز با یکدیگر نامرتب هستند (سورو، ۲۰۲۰).

در راستای تأیید همبستگی بالای شاخص‌های مرتبط با یک سازه با سازه مذکور (روایی همگرا) از تحلیل عاملی تأییدی^۱ (CFA) در نرم افزار AMOS استفاده گشت. جهت تأیید روایی همگرا صادق بودن چهار شرط معناداری بارهای عاملی، بزرگتر بودن بارهای عاملی از ۰/۵ (در صورت امکان بزرگتر از ۰/۷)، بزرگتر بودن ضریب پایایی ترکیبی از ۰/۷ (تأیید پایایی ترکیبی) و بزرگتر بودن آن از میزان میانگین واریانس استخراجی^۲، بزرگتر بودن میزان میانگین واریانس استخراجی از مقدار ۰/۵، بررسی شد (سورو، ۲۰۲۰). همچنین، جهت بررسی روایی واگرا، از معیار فورنل و لارکر^۳ استفاده شده است؛ که به عنوان یکی از روش‌های کلاسیک و بسیار معتبر برای ارزیابی روایی واگرا در مدل‌سازی معادلات ساختاری شناخته می‌شود. این معیار تضمین می‌نماید که یک سازه به صورت واقعی متمایز از سایر سازه‌های پژوهش بوده و اشتراک میانگین واریانس استخراجی آن با گویه‌های خود بیش از اشتراک آن با سایر سازه‌ها است (فورنل و لارکر، ۱۹۸۱). لذا جهت محاسبه و ارزیابی شاخص‌های مربوطه ابتدا مدل تحلیل عاملی تأییدی (CFA) در نرم افزار AMOS رسم و اجرا شد. نتایج حاصل در جدول ۲ در قالب ارزیابی مدل اندازه‌گیری پژوهش قابل مشاهده است.

^۱ Confirmatory Factor Analysis

^۲ Average Variance Extracted

^۳ Fornell-Larcker Criterion

جدول ۲ ارزیابی مدل تحلیل عاملی تأییدی (CFA)

سازه	گوینده‌ها	بارهای عاملی		آلفای کرونباخ	میانگین واریانس ضریب پایایی	
		معناداری	استاندارد		ترکیبی	استخراجی
قصد ارتکاب تقلب				۰/۸۶۲	۰/۸۶۷	۰/۶۸۶
	Frd1	***	۰/۷۶۳			
	Frd2	***	۰/۸۷۸			
	Frd3	***	۰/۸۳۹			
جاه‌طلبی				۰/۹۲۶	۰/۹۲۸	۰/۷۲۰
	Amb1	***	۰/۷۷۸			
	Amb2	***	۰/۸۳۶			
	Amb3	***	۰/۸۱۴			
	Amb4	***	۰/۹۰۱			
	Amb5	***	۰/۹۰۷			
خود شیفتگی				۰/۹۰۰	۰/۹۰۰	۰/۵۰۲
	Nrc1	***	۰/۷۹۸			
	Nrc2	***	۰/۶۸۰			
	Nrc3	***	۰/۶۲۱			
	Nrc4	***	۰/۷۸۰			
	Nrc5	***	۰/۶۸۵			
	Nrc6	***	۰/۶۹۲			

سازه	گونه‌ها	بارهای عاملی معناداری استاندارد	آلفای ضریب پایایی		
			کرونباخ	ترکیبی	استخراجی
	Nrc7	۰/۶۵۹	***		
	Nrc8	۰/۷۴۱	***		
	Nrc9	۰/۷۰۳	***		
ماکیاولیسم			۰/۹۱۳	۰/۹۱۵	۰/۵۴۵
	Mac1	۰/۷۵۱	***		
	Mac2	۰/۷۱۰	***		
	Mac3	۰/۶۳۳	***		
	Mac4	۰/۷۷۰	***		
	Mac5	۰/۷۷۰	***		
	Mac6	۰/۷۴۸	***		
	Mac7	۰/۸۰۶	***		
	Mac8	۰/۷۲۶	***		
	Mac9	۰/۷۱۷	***		
جامعه‌سنجی			۰/۹۰۴	۰/۹۰۵	۰/۵۱۶
	Psy1	۰/۶۸۰	***		
	Psy2	۰/۷۴۲	***		
	Psy3	۰/۷۸۲	***		
	Psy4	۰/۵۷۵	***		

سازه	گویه‌ها	بارهای عاملی		آلفای	میانگین واریانس ضریب پایایی	
		معناداری	استاندارد		کرونباخ	ترکیبی
	Psy5	۰/۷۸۵	***			
	Psy6	۰/۷۴۵	***			
	Psy7	۰/۷۰۴	***			
	Psy8	۰/۶۳۲	***			
	Psy9	۰/۷۸۸	***			
*** معناداری در سطح ۹۹ درصد اطمینان						

نتایج ضمن تأیید برازش قابل قبول مدل تحلیل عاملی تأییدی (CFA)، حکایت از برقراری تمام شروط یاد شده دارد. به گونه‌ای که تمام بارهای عاملی مربوط به متغیرهای آشکار پژوهش معنادار و بزرگتر از ۰/۵ هستند. همچنین، همانگونه که در جدول ۳ نمایان است، ضریب پایایی ترکیبی تمام متغیرهای پنهان پژوهش بزرگتر از ۰/۷ می‌باشد؛ میانگین واریانس استخراجی برای تمامی متغیرهای پژوهش بزرگتر از ۰/۵ است و شرط بزرگتر بودن پایایی ترکیبی از میانگین واریانس استخراجی برای تمامی متغیرهای پژوهش صادق است. لذا روایی همگرا تأیید می‌شود.

جدول ۳: میانگین واریانس استخراجی و آزمون روایی همگرا متغیرهای پژوهش

نام متغیر	CR	AVE	AVE>0.5	CR>AVE	نتیجه روایی همگرا
قصد ارتکاب تقلب	۰/۸۶۷	۰/۶۸۶	تأیید	تأیید	تأیید
جاه‌طلبی	۰/۹۲۸	۰/۷۲۰	تأیید	تأیید	تأیید
خود شیفتگی	۰/۹۰۰	۰/۵۰۲	تأیید	تأیید	تأیید
ماکیاولیسم	۰/۹۱۵	۰/۵۴۵	تأیید	تأیید	تأیید
جامعه‌ستیزی	۰/۹۰۵	۰/۵۱۶	تأیید	تأیید	تأیید

در راستای بررسی روایی واگرا، نتایج حاصل از به کارگیری معیار فورنل-لارکر، که در جدول شماره ۴ قابل مشاهده است، نشان می‌دهد که جذر میانگین واریانس استخراجی تمامی سازه‌ها (اعداد واقع در قطر اصلی) از میزان همبستگی موجود میان آن سازه با سایر سازه‌های مدل (اعداد واقع در بخش زیرین قطر اصلی) بیشتر است؛ از اینرو روایی واگرا پرسشنامه‌های پژوهش نیز مورد تأیید واقع می‌شود.

جدول ۴: ماتریس فورنل-لارکر

جامعه‌ستیزی	ماکیاولیسم	خود شیفتگی	جاه‌طلبی	قصد ارتکاب تقلب	
				۰/۸۲۸	قصد ارتکاب تقلب
			۰/۸۴۹	۰/۷۸۱	جاه‌طلبی
		۰/۷۰۹	۰/۶۹۳	۰/۵۸۵	خود شیفتگی
	۰/۷۳۸	۰/۳۵۳	۰/۷۰۶	۰/۵۵۵	ماکیاولیسم
۰/۷۱۸	۰/۳۳۶	۰/۳۶۷	۰/۴۹۳	۰/۶۵۸	جامعه‌ستیزی

پایایی یک ابزار پژوهشی به میزان ثبات و پایداری یک ابزار اندازه‌گیری با محوریت زمان اشاره دارد (سوروجو، ۲۰۲۰). همانطور که پیشتر گفته شد جهت سنجش پایایی پرسشنامه پژوهش، از آلفای کرونباخ و ضریب پایایی ترکیبی استفاده شد. مقادیر آلفای کرونباخ محاسبه شده همانطور که جدول ۳ نشان می‌دهد برای تمامی متغیرهای پژوهش بالاتر از ۰/۷ بوده و لذا نتایج مؤید پایایی قابل قبول تمامی متغیرهای پژوهش از نقطه نظر این شاخص است. پایایی ترکیبی نیز یکی دیگر از معیارهای سنجش پایایی است که نسبت به معیار سنتی آلفای کرونباخ کمتر تحت تأثیر تعداد گویه‌ها قرار می‌گیرد و به خصوص در تحلیل عاملی تأییدی (CFA)، معیار قوی‌تری جهت سنجش پایایی محسوب می‌شود. نتایج ارائه شده در جدول ۵ نشان می‌دهد ضریب پایایی ترکیبی برای تمامی متغیرها بزرگتر از ۰/۷ بوده که متضمن کفایت پایایی ابزار اندازه‌گیری پژوهش می‌باشد.

جدول ۵: آلفای کرونباخ و ضریب پایایی ترکیبی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	آلفای کرونباخ	ضریب پایایی ترکیبی
قصد ارتکاب تقلب	۰/۸۶۲	۰/۸۶۷
جاه‌طلبی	۰/۹۲۶	۰/۹۲۸
خود شیفتگی	۰/۹۰۰	۰/۹۰۰
ماکیاولیسم	۰/۹۱۳	۰/۹۱۵
جامعه‌ستیزی	۰/۹۰۴	۰/۹۰۵

سوگیری روش مشترک^۱ (CMB) از جمله تهدیدهای روایی سازه، روایی نتیجه‌گیری و پایایی در مطالعات رفتاری به شمار می‌آید که عمدتاً بر داده‌های خودگزارشی تکیه می‌کنند (پودساکوف و همکاران، ۲۰۰۳؛ پودساکوف و همکاران، ۲۰۱۲)؛ که اشاره به واریانس مشترک و سیستماتیک نشئت‌گرفته از روش اندازه‌گیری دارد که معمولاً منجر به افزایش یا کاهش مصنوعی کوواریانس‌ها و همبستگی‌های میان متغیرها و مخدوش‌سازی نتایج می‌شود (پودساکوف و همکاران، ۲۰۰۳)؛ سوگیری روش مشترک به‌طور معمول هنگامی که جمع‌آوری داده‌های مرتبط با متغیرهای مستقل و وابسته به صورت خودگزارشی و هم‌زمان انجام شود و یا پرسشنامه تماماً توسط شخص پاسخ‌دهنده به عنوان یک منبع واحد تکمیل گردد، شدت می‌یابد (پودساکوف و همکاران، ۲۰۰۳). پژوهش حاضر به‌منظور بررسی سوگیری روش مشترک، از آزمون تک عاملی هارمن^۲ و تکنیک عامل نهان مشترک^۳ (CLF) استفاده نموده‌است. در راستای به کارگیری آزمون تک عاملی هارمن ابتدا تمامی آیتم‌های متعلق به سازه‌های اصلی مدل شامل متغیرهای مستقل، وابسته و میانجی وارد تحلیل عامل اکتشافی بدون چرخش در نرم‌افزار SPSS شدند. نتایج نشان داد که ۵۱۴/۳۶٪ از کل واریانس توسط یک عامل منفرد توضیح داده می‌شود که به طور قابل توجهی پایین‌تر از آستانه‌ی بحرانی ۵۰٪ می‌باشد. بنابراین، بر اساس این آزمون شواهدی دال بر وجود سوگیری روش مشترک در داده‌ها مشاهده نشد. در تکنیک عامل نهان مشترک (CLF) به منظور بررسی دقیق‌تر واریانس روش مشترک، یک عامل نهان مشترک (CLF) به مدل اندازه‌گیری CFA در نرم‌افزار AMOS اضافه شد، این عامل به تمامی آیتم‌های قابل مشاهده در مدل متصل گردید (پودساکوف و همکاران، ۲۰۰۳). مدل دارای عامل نهان مشترک برازش ضعیف‌تری نسبت به مدل پایه نشان داد، بارهای عاملی استاندارد مدل پایه (مدل بدون CLF) با بارهای عاملی استاندارد در مدل حاوی CLF مقایسه شد. همانطور که در جدول ۶ قابل مشاهده‌است، تفاوت‌های مشاهده‌شده در بارهای عاملی استاندارد میان دو مدل در هیچ موردی از مقدار ۰/۲ فراتر نمی‌رود (در اکثر موارد کمتر از ۰/۱ و حداکثر ۰/۱۲۶). شایان ذکر است که به طور معمول مقادیر بالاتر از ۰/۲ نمایانگر تأثیر قابل توجه CMB است. مضاف بر این، درصد واریانس روش مشترک جذب‌شده توسط عامل پنهان مشترک (CLF) از طریق میانگین مربعات بارهای استاندارد کمتر از ۲۰٪ برآورد گشت (۹٪/۱۳) که حاکی از عدم وجود سوگیری روش مشترک جدی است.

^۱ Common Method Bias

^۲ Harman's Single Factor Test

^۳ Common Latent Factor

جدول ۶ نتایج حاصل از تکنیک عامل نهان مشترک جهت آزمون سوگیری روش مشترک

نتیجه	مقدار مطلوب	تفاوت بار عاملی استاندارد دو مدل	بار عاملی استاندارد مدل حاوی عامل نهان مشترک	بار عاملی استاندارد مدل فاقد عامل نهان مشترک	گویه مسیر	سازه
رد سوگیری	$< 0/2$	۰/۰۵۴	۰/۷۰۹	۰/۷۶۳	Frd1 ← Frd	قصد ارتکاب تقلب
رد سوگیری	$< 0/2$	۰/۰۳۷	۰/۸۴۱	۰/۸۷۸	Frd2 ← Frd	
رد سوگیری	$< 0/2$	۰/۰۴	۰/۷۹۹	۰/۸۳۹	Frd3 ← Frd	
رد سوگیری	$< 0/2$	۰/۰۶۵	۰/۷۱۳	۰/۷۷۸	Amb1 ← Amb	جاه طلبی
رد سوگیری	$< 0/2$	۰/۰۵۸	۰/۷۷۸	۰/۸۳۶	Amb2 ← Amb	
رد سوگیری	$< 0/2$	۰/۰۵۹	۰/۷۵۵	۰/۸۱۴	Amb3 ← Amb	
رد سوگیری	$< 0/2$	۰/۰۳۶	۰/۸۶۵	۰/۹۰۱	Amb4 ← Amb	
رد سوگیری	$< 0/2$	۰/۰۳۷	۰/۸۷	۰/۹۰۷	Amb5 ← Amb	
رد سوگیری	$< 0/2$	۰/۰۶۵	۰/۷۳۳	۰/۷۹۸	Nrc1 ← Nrc	خود شیفتگی
رد سوگیری	$< 0/2$	۰/۰۵۳	۰/۶۲۷	۰/۶۸	Nrc2 ← Nrc	
رد سوگیری	$< 0/2$	۰/۰۵۶	۰/۵۶۵	۰/۶۲۱	Nrc3 ← Nrc	
رد سوگیری	$< 0/2$	۰/۰۷۲	۰/۷۰۸	۰/۷۸	Nrc4 ← Nrc	
رد سوگیری	$< 0/2$	۰/۰۵۷	۰/۶۲۸	۰/۶۸۵	Nrc5 ← Nrc	
رد سوگیری	$< 0/2$	۰/۰۷	۰/۶۲۲	۰/۶۹۲	Nrc6 ← Nrc	
رد سوگیری	$< 0/2$	۰/۰۵۵	۰/۶۰۴	۰/۶۵۹	Nrc7 ← Nrc	
رد سوگیری	$< 0/2$	۰/۰۷۴	۰/۶۶۷	۰/۷۴۱	Nrc8 ← Nrc	
رد سوگیری	$< 0/2$	۰/۰۷۵	۰/۶۲۸	۰/۷۰۳	Nrc9 ← Nrc	
رد سوگیری	$< 0/2$	۰/۰۵۹	۰/۶۹۲	۰/۷۵۱	Mac1 ← Mac	ماکیاولیسم
رد سوگیری	$< 0/2$	۰/۰۷۲	۰/۶۳۸	۰/۷۱	Mac2 ← Mac	
رد سوگیری	$< 0/2$	۰/۰۸	۰/۵۵۳	۰/۶۳۳	Mac3 ← Mac	
رد سوگیری	$< 0/2$	۰/۰۵۸	۰/۷۱۲	۰/۷۷	Mac4 ← Mac	
رد سوگیری	$< 0/2$	۰/۰۵۵	۰/۷۱۵	۰/۷۷	Mac5 ← Mac	
رد سوگیری	$< 0/2$	۰/۰۵۹	۰/۶۸۹	۰/۷۴۸	Mac6 ← Mac	
رد سوگیری	$< 0/2$	۰/۰۵۴	۰/۷۵۲	۰/۸۰۶	Mac7 ← Mac	
رد سوگیری	$< 0/2$	۰/۰۶۲	۰/۶۶۴	۰/۷۲۶	Mac8 ← Mac	
رد سوگیری	$< 0/2$	۰/۰۶۳	۰/۶۵۴	۰/۷۱۷	Mac9 ← Mac	
رد سوگیری	$< 0/2$	۰/۰۷۸	۰/۶۰۲	۰/۶۸	Psy1 ← Psy	جامعه ستیزی
رد سوگیری	$< 0/2$	۰/۰۸۱	۰/۶۶۱	۰/۷۴۲	Psy2 ← Psy	
رد سوگیری	$< 0/2$	۰/۰۵۶	۰/۷۲۶	۰/۷۸۲	Psy3 ← Psy	

نتیجه	مقدار مطلوب	تفاوت بار عاملی استاندارد دو مدل	بار عاملی استاندارد مدل حاوی عامل نهان مشترک	بار عاملی استاندارد مدل فاقد عامل نهان مشترک	گویه مسیر	سازه
رد سوگیری	< ۰/۲	۰/۱۲۶	۰/۴۴۹	۰/۵۷۵	Psy4 ← Psy	
رد سوگیری	< ۰/۲	۰/۰۵	۰/۷۳۵	۰/۷۸۵	Psy5 ← Psy	
رد سوگیری	< ۰/۲	۰/۰۴۷	۰/۶۹۸	۰/۷۴۵	Psy6 ← Psy	
رد سوگیری	< ۰/۲	۰/۰۹۴	۰/۶۱	۰/۷۰۴	Psy7 ← Psy	
رد سوگیری	< ۰/۲	۰/۱۰۴	۰/۵۲۸	۰/۶۳۲	Psy8 ← Psy	
رد سوگیری	< ۰/۲	۰/۰۷۵	۰/۷۱۳	۰/۷۸۸	Psy9 ← Psy	

در مجموع، نتایج هر دو آزمون نشان‌دهنده‌ی آن است که سوگیری روش مشترک تهدید قابل توجهی برای اعتبار یافته‌های این پژوهش ایجاد نکرده‌است.

شایان ذکر است، به منظور افزایش اطمینان، راهبردهای پیشگیرانه‌ای نظیر تضمین ناشناس بودن پاسخ‌دهندگان و محرمانگی پاسخ‌ها، کاهش ابهام و مخلوط کردن ترتیب سؤالات نیز در طراحی پرسشنامه رعایت گردیده‌است. تضمین ناشناس بودن پاسخ‌دهندگان، سوگیری مطلوبیت اجتماعی را که منبع اصلی سوگیری روش مشترک CMB است، کاهش می‌دهد. چراکه، تضمین ناشناس بودن و محرمانگی پاسخ‌ها به ویژه در ارتباط با موضوعات حساس مانند مسائل اخلاقی احتمال ارائه پاسخ‌های صادقانه را افزایش می‌دهد (پودساکوف و همکاران، ۲۰۰۳). از سوی دیگر تغییر ترتیب سؤالات پرسشنامه تکنیکی شناخته‌شده در راستای کاهش سوگیری و کاهش تأثیر ترتیب پرسش‌ها بر پاسخ‌ها است (پودساکوف و همکاران، ۲۰۱۲). این تکنیک با ممانعت از ایجاد پاسخ‌دهی الگودار وابسته به ترتیب سؤالات، منجر به حصول اطمینان محققین از این مهم شد که هر پاسخ به صورت مستقل ارائه شده‌است و در نتیجه احتمال وجود سوگیری را کاهش می‌دهد.

در نهایت، پس از اطمینان از برازش مدل اندازه‌گیری پژوهش از طریق تحلیل عاملی تأییدی (CFA) در نرم‌افزار AMOS، و عدم وجود مشکل جدی ناشی از سوگیری روش مشترک، در راستای آزمون فرضیه‌ها و ارزیابی نهایی مدل پژوهش از طریق مدل‌یابی معادلات ساختاری^۱ (SEM)، مدل مفهومی^۲ پژوهش در نرم‌افزار AMOS ترسیم و اجرا گردید. شایان ذکر است نتایج این تحلیل امکان بررسی معناداری مسیرهای فرضی و همچنین ارزیابی شاخص‌های برازش کلی مدل را فراهم می‌سازد.

^۱ Structural Equation Modeling

^۲ Conceptual Model

۵- یافته‌های پژوهش

پرسشنامه پژوهش حاضر متشکل از دو بخش اطلاعات جمعیت‌شناختی و بخش پرسشنامه‌های استاندارد مربوط به سنجش متغیرهای پژوهش است. در راستای تحلیل پیرامون آمار توصیفی پژوهش ابتدا امر به واکاوی نتایج پیرامون بخش نخست پرسشنامه که حاوی اطلاعات جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان است می‌پردازیم. همانطور که جدول ۷ نشان می‌دهد، نمونه آماری پژوهش متشکل از ۳۸۶ نفر می‌باشد، به گونه‌ای که ۲۴۷ نفر از آن‌ها را مردان و ۱۳۹ نفر از آن‌ها را زنان تشکیل می‌دهند. از منظر سطح تحصیلات ۱۴ نفر کاردانی، ۱۶۲ نفر کارشناسی، ۱۳۳ نفر کارشناسی‌ارشد و ۷۷ نفر دارای مدرک دکتری هستند. از لحاظ سن ۹۱ نفر در بازه سنی ۲۰-۲۵، ۱۱۹ نفر در بازه سنی ۲۶-۳۰، ۹۸ نفر در بازه سنی ۳۱-۳۵، و ۷۸ نفر در بازه سنی بیشتر از ۳۵ سال قرار دارند. از حیث رشته تحصیلی نمونه به چهار بخش با توزیع ۲۸۱ نفر حسابداری و گرایش‌های آن، ۶۹ نفر مدیریت و گرایش‌های آن، ۲۲ نفر اقتصاد و گرایش‌های آن و ۱۴ نفر سایر رشته‌ها تقسیم می‌شود. که از این میان ۱۶۰ نفر در مؤسسات دولتی و ۲۲۶ نفر در مؤسسات خصوصی شاغل هستند. توزیع مرتبه شغلی به گونه‌ای است که ۷۴ نفر کمک‌حسابدار، ۱۸۱ نفر حسابدار، ۷۹ نفر حسابدار ارشد، ۴۰ نفر مدیر مالی و ۱۲ نفر در رده شغلی مدیر عامل را شامل می‌شود. از جهت سابقه خدمت ۱۲۴ نفر کمتر از ۵ سال، ۱۶۷ نفر در بازه ۵-۱۰ سال، ۴۳ نفر در بازه ۱۱-۱۵ سال و ۵۲ نفر بیش از ۱۵ سال هستند.

جدول ۷: مشخصات دموگرافیک برای نمونه مورد بررسی

متغیر	گروه	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۲۴۷	۶۴
	زن	۱۳۹	۳۶
سطح تحصیلات	کاردانی	۱۴	۳/۶
	کارشناسی	۱۶۲	۴۲
	کارشناسی‌ارشد	۱۳۳	۳۴/۵
	دکتری	۷۷	۱۹/۹
سن	۲۰-۲۵	۹۱	۲۳/۶
	۲۶-۳۰	۱۱۹	۳۰/۸
	۳۱-۳۵	۹۸	۲۵/۴
	>۳۵	۷۸	۲۰/۲
	حسابداری و گرایش‌های آن	۲۸۱	۷۲/۸
رشته تحصیلی	مدیریت و گرایش‌های آن	۶۹	۱۷/۹
	اقتصاد و گرایش‌های آن	۲۲	۵/۷
	سایر	۱۴	۳/۶

متغیر	گروه	فراوانی	درصد
نوع موسسه	دولتی	۱۶۰	۴۱/۵
	خصوصی	۲۲۶	۵۸/۵
سمت شرکتی	کمک حسابدار	۷۴	۱۹/۲
	حسابدار	۱۸۱	۴۶/۹
	حسابدار ارشد	۷۹	۲۰/۵
	مدیر مالی	۴۰	۱۰/۴
	مدیر عامل	۱۲	۳/۱
سابقه خدمت	<۵	۱۲۴	۳۲/۱
	۵-۱۰	۱۶۷	۴۳/۳
	۱۱-۱۵	۴۳	۱۱/۱
	۱۵<	۵۲	۱۳/۵
جمع		۳۸۶	۱۰۰

در گام بعد آمار توصیفی پژوهش شاخص‌های آماری مربوطه، شامل شاخص مرکزی میانگین و نیز شاخص‌های پراکندگی از جمله انحراف استاندارد، چولگی، کشیدگی، کمینه و بیشینه مربوط به متغیرهای پژوهش محاسبه و ارائه شده‌است. همانطور که در جدول ۸ نمایان است، میانگین متغیرهای قصد ارتکاب تقلب، جاه‌طلبی، خود شیفتگی، ماکیاولیسم و جامعه‌ستیزی به ترتیب ۳/۰۶۰۴، ۳/۱۴۰۹۹۵، ۳/۱۴۹۱، ۳/۱۳۵۹، ۲/۲۹۶۸ است. همچنین انحراف استاندارد آن‌ها به ترتیب فوق برابر با ۰/۹۵۲۲، ۰/۸۶۷۸، ۰/۷۰۲۳، ۰/۷۱۵۷، ۰/۶۴۲۲ است. همچنین کمینه متغیرهای یاد شده به ترتیب ۱، ۱/۴۰، ۱/۵۶، ۱/۵۶، ۱/۱۱ است و بیشینه‌ی آن‌ها به ترتیب ۵، ۵، ۴/۸۹، ۴/۸۹، ۳/۸۹ است. شایان ذکر است چولگی و کشیدگی هر یک از متغیرهای پژوهش مقادیر کمتر از ۱+/- را نشان می‌دهد که در بازه قابل قبول پذیرش واقع است.

جدول ۸: نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	تعداد مشاهده	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی	کمینه	بیشینه
قصد ارتکاب تقلب	۳۸۶	۳/۰۶۰۴	۰/۹۵۲۲	-۰/۰۲۹	-۰/۶۷۱	۱	۵
جاه‌طلبی	۳۸۶	۳/۱۴۰۹	۰/۸۶۷۸	۰/۰۸۹	-۰/۷۷۰	۱/۴۰	۵
خود شیفتگی	۳۸۶	۳/۱۴۹۱	۰/۷۰۲۳	۰/۱۶۴	-۰/۵۹۴	۱/۵۶	۴/۸۹
ماکیاولیسم	۳۸۶	۳/۱۳۵۹	۰/۷۱۵۷	۰/۰۲۵	-۰/۵۰۱	۱/۵۶	۴/۸۹
جامعه‌ستیزی	۳۸۶	۲/۲۹۶۸	۰/۶۴۲۲	۰/۳۵۹	-۰/۴۹۳	۱/۱۱	۳/۸۹

پژوهش حاضر جهت آزمون برازش مدل و معناداری فرضیه‌ها از روش معادلات ساختاری مبتنی بر کواریانس^۱ بهره جسته است. نرمال بودن متغیرها از جمله پیش‌شرط‌های اساسی این روش می‌باشد (برن، ۲۰۰۱). لذا ابتدای امر نرمال بودن داده‌ها با استفاده از بررسی محدوده چولگی و کشیدگی در سطح متغیرهای پژوهش بررسی شد. به طور معمول قریب به اتفاق پژوهشگران بر این باورند که توزیع با چولگی فراتر از $+2/-$ و کشیدگی فراتر از $+3/-$ فاصله قابل ملاحظه‌ای از توزیع نرمال دارد، با این وجود برخی منابع آستانه سهل‌گیرانه $+10/-$ را برای کشیدگی در توزیع نرمال متصور می‌شوند (ماتوره و خیرانی، ۲۰۲۰). همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد چولگی و کشیدگی هر یک از متغیرهای پژوهش در بازه قابل قبول $+1/-$ قرار دارد، که حاکی از توزیع نرمال داده‌های مربوط به هر یک از متغیرهای یاد شده است.

برای بررسی برازش مدل و آزمون معناداری فرضیه‌های پژوهش از نرم‌افزار AMOS نسخه ۲۴ استفاده شده است. در راستای تجزیه و تحلیل آماری از دو مدل معادلات ساختاری استفاده گشت، مدل نخست که مدل اثر کل نامیده می‌شود شامل بررسی نتایج مربوط به مسیرهای مستقیم از متغیرهای مستقل پژوهش به متغیر وابسته در غیاب متغیر میانجی در مدل است و مدل دوم که به عنوان مدل میانجی شناخته می‌شود در برگیرنده تمام مسیرهای مستقیم و غیر مستقیم می‌باشد. نتایج شاخص‌های برازش مدل در جدول ۹ ارائه شده است. شایان ذکر است در این تحلیل، کواریانس بین متغیرهای مستقل مکنون در مدل لحاظ گردیده است. همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، هر دو مدل اثرکل و مدل میانجی از برازش قابل قبولی با داده‌ها برخوردارند. بررسی برازش مدل اثرکل نشان می‌دهد آماره χ^2/df برابر با $739/550$ و معنادار است ($P < 0/001$) که با توجه به حجم بالای نمونه‌ی پژوهش معناداری آن قابل توجیه است (باگوزی و یی، ۲۰۱۲). نسبت χ^2/df دو به درجته آزادی $1/854$ که در محدوده‌ی مناسبی از آستانه پذیرش (کمتر از ۳) قرار می‌گیرد. RMSEA برابر با $0/047$ که مقدار آن با توجه به آستانه قابل پذیرش (کمتر از $0/08$) مطلوب است، مقدار PCLOSE برابر با $0/815$ می‌باشد و در بازه قابل پذیرش واقع است. شاخص‌های GFI و AGFI به ترتیب $0/886$ و $0/867$ کمی پایین‌تر از آستانه $0/90$ هستند، شاخص‌های برازش تطبیقی CFI و TLI نیز به ترتیب $0/946$ و $0/941$ می‌باشند و در محدوده‌ی مطلوب بالاتر از $0/90$ قرار دارند. همچنین شاخص RMR برابر با $0/047$ می‌باشد که نسبت به محدوده قابل پذیرش مقدار مطلوبی تلقی می‌گردد. لذا با توجه به شاخص‌های ارائه شده از برازش مدل اثر کل می‌توان دریافت اکثریت شاخص‌ها در محدوده قابل پذیرش (و در بسیاری از موارد در محدوده‌ی عالی) قرار دارند. از این‌رو

¹ CB-SEM

می توان استنباط نمود مدل اثر کل برازش قابل قبولی با داده های پژوهش دارد. بررسی برازش مدل میانجی نشان می دهد، شاخص های برازش مطلق از جمله آماره χ^2/df با ۹۳۰/۵۷۴ و $P < ۰/۰۰۱$ مقدار p-value برای آماره χ^2/df دو معنادار است که به دلیل حساسیت این شاخص به حجم نمونه بالا، طبیعی تلقی می شود (باگوزی و یی، ۲۰۱۲). نسبت χ^2/df دو به درجات آزادی ۱/۶۹۲ است که به صورت قابل ملاحظه ای کمتر از آستانه ی ۳ و حتی آستانه سخت گیرانه ۲ می باشد (کلاین، ۲۰۱۶)؛ که این امر حاکی از برازش بسیار خوب مدل میانجی از منظر این شاخص است. RMSEA برابر با ۰/۰۴۲ که در محدوده قابل قبول کمتر از ۰/۰۸ قرار دارد، مقدار PCLOSE برابر با ۰/۹۹۷ می باشد که به شکل مطلوبی در بازه قابل پذیرش واقع شده است. با اینکه شاخص های GFI و AGFI به ترتیب ۰/۸۷۸ و ۰/۸۶۱ است و هر دو کمی پایین تر از آستانه ۰/۹۰ قرار دارند، با این وجود، نزدیک به آستانه قابل قبول واقع شده اند (شرمله - انگل و همکاران، ۲۰۰۳). شاخص های برازش تطبیقی CFI و TLI نیز به ترتیب ۰/۹۵۴ و ۰/۹۵۰ می باشند که در محدوده مطلوب بالاتر از ۰/۹۰ قرار می گیرد و دال بر برازش عالی مدل از نقطه نظر این دو شاخص است. همچنین شاخص RMR برابر با ۰/۰۴۶ می باشد که در محدوده قابل پذیرش قرار دارد. لذا، با توجه به مطلوبیت اکثریت شاخص های برازش، مدل پیشنهادی پژوهش به شکل آشکاری برازش مناسبی را با داده های گردآوری شده نشان می دهد. از این رو، برازش کلی مدل های پژوهش تأیید می شود.

جدول ۹: نتایج برازش مدل معادلات ساختاری پژوهش

شاخص برازش	مدل اثر کل	مدل میانجی	معیار پذیرش
χ^2	۷۳۹/۵۵۰	۹۳۰/۵۷۴	-
df	۳۹۹	۵۵۰	-
p-value	$P < ۰/۰۰۱$	$P < ۰/۰۰۱$	$> ۰/۰۵$
CMIN/df	۱/۸۵۴	۱/۶۹۲	$3 \leq$ (خوب) / $5 \leq$ (قابل قبول)
GFI	۰/۸۸۶	۰/۸۷۸	$\geq ۰/۹۰$
AGFI	۰/۸۶۷	۰/۸۶۱	$\geq ۰/۹۰$
CFI	۰/۹۴۶	۰/۹۵۴	$0/۹۰ \leq$ (قابل قبول) / $0/۹۵ \leq$ (عالی)
TLI	۰/۹۴۱	۰/۹۵۰	$0/۹۰ \leq$ (قابل قبول) / $0/۹۵ \leq$ (عالی)
RMSEA	۰/۰۴۷	۰/۰۴۲	$0/۰۸ \leq$ (قابل قبول) / $0/۰۵ \leq$ (عالی)
PCLOSE	۰/۸۱۵	۰/۹۹۷	$> ۰/۰۵$
RMR	۰/۰۴۷	۰/۰۴۶	$\leq ۰/۰۸$

پس از اطمینان از برازش مناسب مدل‌های معادلات ساختاری پژوهش با داده‌های جمع‌آوری شده، گام بعد شامل تحلیل مسیرهای موجود در مدل‌های یاد شده و بررسی ضرایب استاندارد و معناداری آن‌ها است. این ضرایب، قدرت و جهت روابط فرضی بین متغیرها را نشان می‌دهند. نتایج مربوط به مدل میانجی پژوهش جهت بررسی معناداری فرضیه‌های پژوهش در جدول ۱۰ ارائه شده است. همانطور که نتایج نشان می‌دهد، ضریب استاندارد مسیر مستقیم خودشیفتگی به قصد ارتکاب تقلب ($\beta=0/075, p=0/231$) و ضریب استاندارد مسیر مستقیم ماکیاولیسم به قصد ارتکاب تقلب ($\beta=0/035, p=0/570$) از وجود رابطه مستقیم میان خودشیفتگی و ماکیاولیسم با قصد ارتکاب تقلب پشتیبانی نمی‌کند. با این وجود، ضریب استاندارد مسیر مستقیم جامعه‌ستیزی با قصد ارتکاب تقلب ($\beta=0/359, p<0/001$) نشان از وجود رابطه مستقیم معنادار میان جامعه‌ستیزی با قصد ارتکاب تقلب دارد. همچنین بررسی ضرایب استاندارد به ترتیب برای مسیر خودشیفتگی به جاه‌طلبی ($\beta=0/462, p<0/001$)، مسیر ماکیاولیسم به جاه‌طلبی ($\beta=0/489, p<0/001$)، مسیر جامعه‌ستیزی به جاه‌طلبی ($\beta=0/159, p<0/005$) و مسیر جاه‌طلبی به قصد ارتکاب تقلب ($\beta=0/528, p<0/001$) نشان می‌دهد رابطه مثبت و معناداری میان خودشیفتگی، ماکیاولیسم و جامعه‌ستیزی با جاه‌طلبی و رابطه مثبت و معناداری میان جاه‌طلبی با قصد ارتکاب تقلب برقرار است.

جدول ۱۰: نتایج استاندارد مربوط به آزمون فرضیه‌های پژوهش

مسیر	اثر	فاصله اطمینان (پایین)	فاصله اطمینان (بالا)	سطح معناداری	وضعیت فرضیه
خودشیفتگی ← قصد ارتکاب تقلب	۰/۰۷۵	-۰/۰۴۹	۰/۱۹۵	۰/۲۳۱	رد
ماکیاولیسم ← قصد ارتکاب تقلب	۰/۰۳۵	-۰/۰۸۹	۰/۱۶۰	۰/۵۷۰	رد
جامعه‌ستیزی ← قصد ارتکاب تقلب	۰/۳۵۹	۰/۲۶۳	۰/۴۵۶	۰/۰۰۰	تأیید
خودشیفتگی ← جاه‌طلبی	۰/۴۶۲	۰/۳۷۶	۰/۵۴۷	۰/۰۰۰	تأیید
ماکیاولیسم ← جاه‌طلبی	۰/۴۸۹	۰/۳۹۷	۰/۵۸۳	۰/۰۰۰	تأیید
جامعه‌ستیزی ← جاه‌طلبی	۰/۱۵۹	۰/۰۷۲	۰/۲۵۳	۰/۰۰۱	تأیید
جاه‌طلبی ← قصد ارتکاب تقلب	۰/۵۲۸	۰/۳۴۵	۰/۷۱۲	۰/۰۰۰	تأیید

در راستای تخمین سطح معناداری ضرایب استاندارد شده، از روش بوت‌استرپینگ استفاده شد.

در ادامه‌ی آزمون فرضیه‌ها، در راستای آزمون نقش میانجی‌گرانه‌ی جاه‌طلبی، پژوهش پیش‌رو از روش بوت‌استرپینگ با نمونه ۵۰۰۰ تایی و سطح اطمینان ۹۵ درصد استفاده نموده است؛ که روشی معتبر و بسیار قدرتمند جهت آزمون روابط میانجی‌گری است. به این منظور ابتدا روش بوت‌استرپ در مدل اثر کل (مدل بدون حضور متغیر میانجی و روابط فی ما بین آن با متغیرهای

مستقل و وابسته) و مدل میانجی (مدل با حضور متغیر میانجی) با نمونه ۵۰۰۰ تایی و سطح اطمینان ۹۵ درصد به صورت جداگانه اجرا شد، سپس اثر کل از مدل اثر کل و اثر مستقیم و اثر غیر مستقیم از مدل میانجی، استخراج گشت. نتایج حاصل در جدول ۱۱ قابل مشاهده است. جدول ۱۱: اثر کل، اثر مستقیم، اثر غیر مستقیم حاصل از اجرای مدل اثر کل و مدل میانجی

سطح اطمینان ۹۵٪		ضرایب رگرسیونی استاندارد	نوع اثر و مسیر
فاصله اطمینان (بالا)	فاصله اطمینان (پایین)		
اثر کل			
۰/۴۱۰	۰/۲۲۱	۰/۳۱۸**	خودشیفتگی ← قصد ارتکاب تقلب
۰/۳۸۹	۰/۱۹۵	۰/۲۹۳**	ماکیاولیسم ← قصد ارتکاب تقلب
۰/۵۳۹	۰/۳۴۷	۰/۴۴۲**	جامعه‌ستیزی ← قصد ارتکاب تقلب
اثر مستقیم			
۰/۱۹۵	-۰/۰۴۹	۰/۰۷۵ ^{NS}	خودشیفتگی ← قصد ارتکاب تقلب
۰/۱۶۰	-۰/۰۸۹	۰/۰۳۵ ^{NS}	ماکیاولیسم ← قصد ارتکاب تقلب
۰/۴۵۶	۰/۲۶۳	۰/۳۵۹**	جامعه‌ستیزی ← قصد ارتکاب تقلب
۰/۵۴۷	۰/۳۷۶	۰/۴۶۲**	خودشیفتگی ← جاه‌طلبی
۰/۵۸۳	۰/۳۹۷	۰/۴۸۹**	ماکیاولیسم ← جاه‌طلبی
۰/۲۵۳	۰/۰۷۲	۰/۱۵۹**	جامعه‌ستیزی ← جاه‌طلبی
۰/۷۱۲	۰/۳۴۵	۰/۵۲۸**	جاه‌طلبی ← قصد ارتکاب تقلب
اثر غیر مستقیم			
۰/۳۵۶	۰/۱۵۳	۰/۲۴۴**	خودشیفتگی ← جاه‌طلبی ← قصد ارتکاب تقلب
۰/۳۷۶	۰/۱۶۶	۰/۲۵۸**	ماکیاولیسم ← جاه‌طلبی ← قصد ارتکاب تقلب
۰/۱۴۹	۰/۰۳۷	۰/۰۸۴**	جامعه‌ستیزی ← جاه‌طلبی ← قصد ارتکاب تقلب
*** معناداری در سطح ۹۹ درصد اطمینان، NS عدم معناداری در سطح ۹۵ درصد اطمینان			

در آزمون میانجی‌گری با روش بوت‌استرپ، معناداری اثر کل، اثر مستقیم و اثر غیر مستقیم برای مسیرهای مورد بررسی ارزیابی شد. از آنجاییکه اثر کل و اثر غیر مستقیم برای تمامی مسیرهای مورد بررسی در سطح ۹۵٪ اطمینان معنادار است لذا فرضیه‌های مربوط به نقش میانجی‌گرانه‌ی جاه‌طلبی تأیید می‌شود. جهت تعیین نوع میانجی‌گیری به معناداری اثرات مستقیم توجه می‌گردد. از آنجاییکه اثر مستقیم مربوط به مسیر خودشیفتگی و ماکیاولیسم به قصد ارتکاب

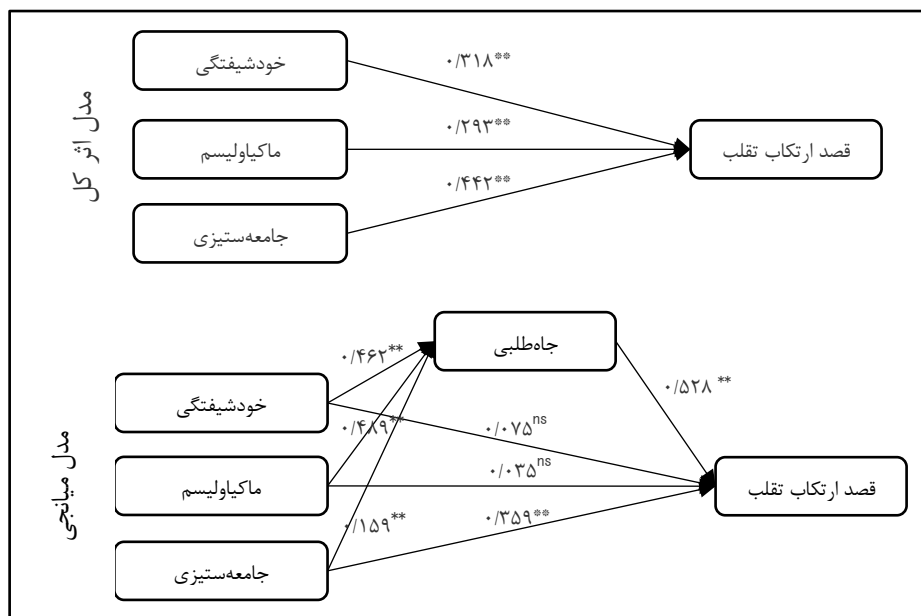
تقلب در حضور متغیر میانجی در مدل معنادار نیست، میانجی‌گری از نوع کامل است. به همین ترتیب در ارتباط با مسیر جامعه‌ستیزی با قصد ارتکاب تقلب، از آن جهت که اثر مستقیم معنادار است، میانجی‌گیری از نوع جزئی است. بنابراین همانطور که جدول ۱۲ نشان می‌دهد، جاه‌طلبی رابطه میان خودشیفتگی و ماکیاولیسم با قصد ارتکاب تقلب را به صورت کامل و رابطه میان جامعه‌ستیزی با قصد ارتکاب تقلب را به صورت جزئی میانجی‌گری می‌کند.

جدول ۱۲: نتایج مربوط به آزمون فرضیه‌های میانجی پژوهش - روش بوت استرپ

وضعیت فرضیه	نوع میانجی‌گری	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل	نوع اثر و مسیر
تأیید	کامل	۰/۰۷۵ ^{NS}	۰/۲۴۴ ^{**}	۰/۳۱۸ ^{**}	خودشیفتگی ← جاه‌طلبی ← قصد ارتکاب تقلب
تأیید	کامل	۰/۰۳۵ ^{NS}	۰/۲۵۸ ^{**}	۰/۲۹۳ ^{**}	ماکیاولیسم ← جاه‌طلبی ← قصد ارتکاب تقلب
تأیید	جزئی	۰/۳۵۹ ^{**}	۰/۰۸۴ ^{**}	۰/۴۴۳ ^{**}	جامعه‌ستیزی ← جاه‌طلبی ← قصد ارتکاب تقلب
** معناداری در سطح ۹۹ درصد اطمینان، NS عدم معناداری در سطح ۹۵ درصد اطمینان					

شکل ۲، نمایانگر هر دو مدل معادلات ساختاری پژوهش است که جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش مورد استفاده قرار گرفته‌است، در مدل اثر کل ضرایب رگرسیونی استاندارد میان متغیرهای مستقل پژوهش و متغیر وابسته در غیاب متغیر میانجی ارائه شده‌است؛ و مدل میانجی که شامل مسیرهای مستقیم و غیر مستقیم است، ضرایب رگرسیونی استاندارد مسیرهای یاد شده را نشان می‌دهد.

شکل ۲: ضرایب استاندارد مدل‌های معادلات ساختاری پژوهش-مدل اثر کل و مدل میانجی



** معناداری در سطح ۹۹ درصد اطمینان، ns عدم معناداری در سطح ۹۵ درصد اطمینان

سایر یافته‌ها

در راستای بررسی و تحلیل اثر جایگاه شغلی بر نتایج پژوهش از تحلیل چند گروهی در نرم افزار AMOS استفاده شد. از باب عدم کفایت تعداد نمونه در طبقات جایگاه شغلی که نشئت گرفته از روش نمونه‌گیری بوده و انجام تحلیل آماری را ناممکن می‌ساخت؛ لاجرم در راستای ممانعت از مخدوش‌سازی نتایج و برآورد نادرست، گروه‌های موجود به دو گروه عملیاتی (شامل کمک حسابدار و حسابدار) و گروه ارشد و مدیریت (شامل حسابدار ارشد، مدیر مالی و مدیر عامل) تفکیک شد. پس از آن تحلیل چند گروهی با بهره‌گیری از رویکرد ماتریس کوواریانس انجام گشت. لذا، ابتدا مدل آزاد (مدل فاقد محدودیت) برازش یافت ($\chi^2=1625/9$ و $df=1100$) و در گام بعد مدل محدود شده بین دو گروه برازش داده شد ($\chi^2=1634/1$ و $df=1107$). سپس تفاوت دو مدل به وسیله آزمون مجذور کای تفاضلی ارزیابی شدند ($\Delta\chi^2=8/2$ و $\Delta df=7$). نتایج نشان داد تفاوت میان دو مدل از نقطه نظر آماری معنادار نیست ($p=0/32$). لذا بر این اساس فرض برابری ساختار مدل در هر دو گروه تأیید شد. که نشان می‌دهد مدل پژوهش از پایداری بالایی در میان دو گروه یاد شده برخوردار است. از اینرو می‌توان دریافت روابط ساختاری میان

سازهای پژوهش در میان کارکنان عملیاتی و کارکنان ارشد/ مدیریت تفاوت معناداری نداشته و جایگاه شغلی اثری قابل توجهی بر قدرت این روابط نمی‌گذارد.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

از دیرباز تاکنون دستکاری‌های مالی توجه ویژه سهامداران و سایر ذینفعان شرکت‌ها را در اقصی نقاط جهان به خود جلب نموده‌است (رضوان و همکاران، ۱۴۰۳). از همین روی، پابندی به اخلاق و رابطه آن با گزارشگری مالی از جمله مسائل حیاتی در ایران و جهان به شمار می‌آید (کامرانی و همکاران، ۱۴۰۲). چراکه، ارائه گزارش‌های مالی صادقانه در گرو تصمیم‌گیری اخلاقی حسابداران است که خود تحت تأثیر ویژگی‌های فردی و روانشناختی آن‌ها قرار می‌گیرد (عارف منش و همکاران، ۱۴۰۲). در همین راستا، پژوهش‌های پیشین یادآور این مهم می‌باشند که نقطه آغازین برآورد احتمال رخداد اعمال غیر اخلاقی نظیر ارتکاب تقلب، مطالعه ویژگی‌های شخصیتی افراد است؛ از آن جهت که، ویژگی‌های شخصیتی علاوه بر تأثیرگذاری بر فرآیند تصمیم‌گیری، اصول اخلاقی افراد را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند (آنتونیچلی و فلسکی، ۲۰۲۴).

بی‌گمان درک علل شکل‌گیری نیت مجرمانه و رفتارهای متقلبانه امکان شناسایی اعمال یاد شده را پیش از وقوع ممکن می‌نماید؛ و نه تنها این امکان را برای سیاست‌گذاران و نهادهای نظارتی فراهم می‌سازد تا سازوکارهای پیشگیرانه مؤثرتری را طراحی کنند، بلکه دارای اثر مستقیم بر سایر حوزه‌ها نظیر مدیریت ریسک، حاکمیت شرکتی و حسابرسی نیز می‌باشد؛ چراکه با ممانعت از وقوع تقلب می‌توان ضمن کاهش چشمگیر خسارات مالی و اعتباری ناشت گرفته از آن، اعتماد عمومی به سیستم‌های اقتصادی و حقوقی را حفظ نمود. از همین روی، با توجه به ضرورت و اهمیت پیشگیری از وقوع تقلب‌های مالی و اعتلاء چارچوب سلامت اخلاقی سازمان‌ها، هدف از انجام پژوهش پیش رو، درک علمی و عمیق‌تر مکانیسم اثر سه‌گانه تاریک شخصیت بر قصد ارتکاب تقلب میان حسابداران و مدیران ایرانی شاغل در هر دو بخش خصوصی و دولتی با توجه به نقش میانجی‌گرانه‌ی جاه‌طلبی بود. نتایج حاصل از یافته‌های پژوهش ضمن هم‌خوانی با ادبیات حاضر در باب این موضوع، بینش ارزشمندی را از حیث آزمون نقش میانجی‌گرانه‌ی جاه‌طلبی ارائه می‌دهد و مدل پژوهش حاضر را از مدل‌های موجود در پژوهش‌های پیشین متمایز می‌سازد.

یافته‌های برآمده از برازش مدل میانجی جهت آزمون فرضیه اول پژوهش در راستای رد این فرضیه نشان می‌دهد میان خودشیفتگی با قصد ارتکاب تقلب در حسابداران و مدیران ارتباط مستقیم معناداری برقرار نیست. نتیجه به دست آمده بر خلاف نتایج پژوهش‌های ژائو و همکاران (۲۰۱۶)، هام و همکاران (۲۰۱۷)، هریسون و همکاران (۲۰۱۸)، مودیک و همکاران (۲۰۱۸)، موچمن و همکاران (۲۰۲۲)، ایمر و گرکز (۱۳۹۷)، رضازاده و همکاران (۱۳۹۹)، بزرگ اصل و

همکاران (۱۴۰۰)، همت‌فر (۱۴۰۱)، حیدری و همکاران (۱۴۰۲) است. تفاوت نتیجه به دست آمده نسبت به پژوهش‌های یاد شده به علت مکانیسم اثر خودشیفتگی بر قصد ارتکاب تقلب است؛ که در پژوهش‌های یاد شده صرفاً از طریق یک مدل ساده و بدون در نظر گرفتن نقش محرک‌های شناختی، روانی و انگیزشی بر چگونگی اثر ویژگی‌های شخصیت تاریک بر شکل‌گیری رفتار مورد بررسی واقع شده‌است. در حقیقت یافته‌های ما نشان داد اثر خودشیفتگی بر قصد ارتکاب تقلب به صورت مستقیم و خودکار نبوده و از مسیرهای شناختی و انگیزشی عبور می‌کند. به عبارت دیگر خودشیفته بودن به خودی خود منجر به انجام اقدامات متقلبانه نمی‌شود بلکه این پیشران‌های انگیزشی هستند که فرد خودشیفته را به سمت تقلب هدایت می‌کنند.

یافته‌های برآمده از آزمون فرضیه‌ی دوم پژوهش با رد این فرضیه نشان می‌دهد میان ماکیاولیسم با قصد ارتکاب تقلب ارتباط مستقیم و معناداری برقرار نیست. هرچند که برازش مدل اثرکل در غیاب متغیر میانجی رابطه مستقیم معناداری را میان عناصر یاد شده گزارش می‌کند، با این وجود یافته‌های حاصل از برازش مدل مفهومی پژوهش (مدل میانجی) ضمن رد رابطه مستقیم، وجود رابطه غیر مستقیم میان عوامل یاد شده را از طریق مکانیسم ایجاد شده توسط جاه‌طلبی تأیید می‌کند، این نتیجه مخالف با پژوهش‌های مورفی (۲۰۱۲)، ژائو و همکاران (۲۰۱۶)، هریسون و همکاران (۲۰۱۸)، مودیک و همکاران (۲۰۱۸)، موچمن و همکاران (۲۰۲۲)، ایمر و گرکز (۱۳۹۷)، رضازاده و همکاران (۱۳۹۹)، همت‌فر (۱۴۰۱)، حیدری و همکاران (۱۴۰۲) می‌باشد و هم سو با نتیجه حاصل از پژوهش ویجایانتی و همکاران (۲۰۲۴) است. علت تفاوت موجود، به مکانیسم اثر ویژگی‌های شخصیتی در شکل‌گیری رفتار بر می‌گردد. در حقیقت پژوهش‌های پیشین هرچند از دانش‌افزایی و وجاهت علمی برخوردارند، از آن جهت که از یک رویکرد بیش از حد ساده انگارانه رنج می‌برند، در ارائه‌ی تصویر کاملی از سازوکارهای حاکم بر شکل‌گیری نیت متقلبانه ناتوانند. لذا در پژوهش حاضر با اتکا به نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده‌آجن (۱۹۹۱)، با در نظر گرفتن چگونگی فعال سازی مسیرهای شناختی و انگیزشی، شکل‌گیری نیت متقلبانه مورد بررسی قرار گرفته‌است. لذا نتیجه حاصل این مهم را منعکس می‌کند که هرچند افراد با شخصیت ماکیاولیستی در راستای ماهیت شخصیتی خود از پتانسیل بالایی برای ارتکاب رفتارهای متقلبانه برخوردارند، با این حال قصد اقدام به رفتارهای غیر اخلاقی نظیر تقلب زمانی که مسیرهای متکی به پاداش‌های انگیزشی نظیر انگیزه‌های جاه‌طلبانه فعال شوند، قوت می‌گیرد.

یافته‌های برآمده از آزمون فرضیه‌ی سوم پژوهش در راستای تأیید این فرضیه نشان می‌دهد میان جامعه‌سستیزی با قصد ارتکاب تقلب در حسابداران و مدیران ارتباط مستقیم معناداری برقرار است. نتیجه به دست آمده هم جهت با نتایج ارائه شده در پژوهش‌های ژائو و همکاران (۲۰۱۶)، هریسون

و همکاران (۲۰۱۸)، مودیک و همکاران (۲۰۱۸)، موچمن و همکاران (۲۰۲۲)، ایمر و گرکز (۱۳۹۷)، رضازاده و همکاران (۱۳۹۹)، همت‌فر (۱۴۰۱)، حیدری و همکاران (۱۴۰۲) است. وجود ارتباط مستقیم میان جامعه‌سستیزی با قصد ارتکاب تقلب، کاملاً هم‌خوان با ماهیت ذاتی این ویژگی شخصیتی بوده‌است و بر این نکته استوار است که شکل‌گیری نیت متقلبانه در جامعه‌ستیزان صرفاً مرتبط با انتفاع مالی، کسب پاداش، دستیابی به مقام و منزلت و انگیزه‌های جاه‌طلبانه نیست. بلکه بیشتر تحت تأثیر تمایلات لذت‌جویانه، هیجان‌خواهی و تگانشگری بالا، عدم پشیمانی و نقص در مکانیسم‌های بازدارنده اخلاقی آن‌ها است.

یافته‌های برآمده از آزمون فرضیه چهارم، پنجم و ششم پژوهش با تأیید این فرضیه‌ها نشان می‌دهد میان خودشیفتگی، ماکیاولیسم و جامعه‌سستیزی با جاه‌طلبی حسابداران و مدیران ارتباط مثبت معناداری برقرار است. نتیجه‌ی به دست آمده هم راستا با پژوهش‌های بلیس و پرویسرز (۲۰۱۷)؛ دیویس و ویانکورت (۲۰۲۳) می‌باشد. این هم راستایی نشئت گرفته از این امر است که هر سه مؤلفه سه‌گانه تاریک شخصیت از باب اشتراک در خودمحوری، بی‌اعتنایی به غیر، تمرکز بر تحقق اهداف شخصی و عدم همدلی، سطوح بالاتری از جاه‌طلبی را که صرفاً متمرکز بر خود بدون توجه به منافع اجتماعی و رفاه دیگران است به همراه دارد. شایان ذکر است که این رابطه در ارتباط با جامعه‌سستیزی ضعیف‌تر است که خود تأکیدی بر تمایل به دستیابی آنی به اهداف توأم با تگانشگری و لذت‌جویی افراد با ویژگی‌های جامعه‌ستیزانه است.

یافته‌های برآمده از آزمون فرضیه‌ی هفتم پژوهش با تأیید این فرضیه نشان می‌دهد میان جاه‌طلبی با قصد ارتکاب تقلب ارتباط مثبت معناداری برقرار است. نتیجه به دست آمده هم سو با پژوهش‌های گورلک (۲۰۲۱)؛ گوش (۲۰۲۳) و اوریلی و پففر (۲۰۲۵) می‌باشد. این هم‌سویی، از آنجا ناشی می‌شود که، جاه‌طلبی در قالب نیروی محرکه رفتار غیراخلاقی عمل کرده و دستیابی به اهداف را به شکل افراطی برجسته می‌نماید و احساس نیاز به موفقیت، قدرت و میل به پیشرفت فرد را به گونه‌ای هدایت می‌کند که مسیر تحقق اهداف، با واگرایی از هنجارهای اخلاقی به سوی اقدامات متقلبانه و رفتارهای فریبکارانه منحرف می‌شود.

یافته‌های برآمده از آزمون فرضیه‌ی هشتم، نهم و دهم پژوهش که مختص به نقش میانجی‌گرانه جاه‌طلبی می‌باشند با تأیید فرضیه‌های یاد شده، نشان می‌دهند جاه‌طلبی رابطه میان خودشیفتگی، ماکیاولیسم با قصد ارتکاب تقلب را به طور کامل و رابطه میان جامعه‌سستیزی با قصد ارتکاب تقلب را به صورت جزئی میانجی‌گری می‌کند. این نتایج همسو با یافته‌های ارائه شده در پژوهش‌های گوش (۲۰۲۳) و گورلک (۲۰۲۱) می‌باشد. این هم‌راستایی حاصل ارزیابی مکانیسم‌های شناختی و انگیزشی مشابه است که در آن جاه‌طلبی در قالب یک واسطه انگیزشی از طریق تقویت میل به پیشرفت و کسب قدرت و دستیابی به اهداف بستر لازم را برای بروز نیت

متقلبان در افراد با زمینه صفات تاریک شخصیت فراهم می‌سازد. به گونه‌ای که دستیابی به موفقیت نسبت به پایبندی به اصول اخلاقی برتر شمرده می‌شود. خودشیفتگی و ماکیاولیسم با فعال‌سازی جاه‌طلبی در راستای انگیزه‌های منزلت‌طلبانه، سلطه‌جویانه و خودمحورانه، در قالب تمایل به کسب اهداف چشمگیر و ارزشمند به هر قیمت، منجر به شکل‌گیری قصد و نیت غیر اخلاقی می‌گردد. با این حال مسیر جامعه‌ستیزی متفاوت است؛ در حقیقت در این مسیر جاه‌طلبی بیشتر نقش هیجانی به خود می‌گیرد.

در مجموع یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد، هر سه مؤلفه سه‌گانه تاریک شخصیت از قرار ماکیاولیسم، خودشیفتگی و جامعه‌ستیزی در غیاب جاه‌طلبی در مدل اثر کل پژوهش رابطه مستقیم و معناداری را با قصد ارتکاب تقلب نشان می‌دهند. این مسئله همسو با ذات این صفات و ادبیات موجود در این زمینه است. با این حال وجه تمایز و نکته‌ی حائز اهمیت که منطبق با هدف اصلی پژوهش حاضر است؛ منوط بر نتایج نهائی حاصل از برازش مدل میانجی است. بر پایه نتایج حاصل از برازش مدل معادلات ساختاری پژوهش (مدل میانجی) اینگونه می‌توان استنباط نمود، که جاه‌طلبی در قالب یک سازه میانجی، نقش متفاوتی در مدل دارد. به گونه‌ای که، رابطه میان خودشیفتگی و ماکیاولیسم با قصد ارتکاب تقلب را به صورت کامل میانجی‌گری می‌کند، اما رابطه جامعه‌ستیزی با قصد ارتکاب تقلب را به صورت جزئی توضیح می‌دهد. این امر نشان دهنده طبیعت فرایندمحور و هدفمند این ویژگی‌ها است. به این معنا که دو ویژگی خودشیفتگی و ماکیاولیسم عمدتاً از طریق تقویت و تشدید انگیزه‌های جاه‌طلبانه و منزلت‌جویانه مانند کسب مقام و منزلت، ثروت، موفقیت، تحسین، برتری شخصی به هر قیمت، دستکاری دیگران با هدف میل به کسب اهداف ارزشمند عمل کرده و افراد را سمت رفتارهای غیراخلاقی مانند ارتکاب تقلب هدایت می‌کنند. به عبارت دیگر، افراد خودشیفته و ماکیاولیست، در صورت نبود انگیزه جاه‌طلبانه، به پذیرش ریسک تقلب تمایل زیادی ندارند. زیرا در این حالت تقلب متضمن حداکثرسازی سود شخصی آن‌ها نیست. این در حالیست که، یافته‌ها نشان می‌دهد جامعه‌ستیزی با اثر مستقیم و معنادار بر قصد ارتکاب تقلب، محدود به مکانیسم جاه‌طلبی نیست؛ که منطبق با ماهیت تکانشگری، سنگدلی و بی‌اعتنایی به پیامدهای اعمال غیر اخلاقی آن است. به این معنی که افراد با سطوح بالای جامعه‌ستیزی حتی در صورت نبودن انگیزه‌های منزلت‌جویانه و جاه‌طلبانه، از حیث فقدان بازدارنده‌های اخلاقی و تمایل به ریسک‌پذیری آنی، دست به انجام تقلب می‌زنند. از اینرو، جاه‌طلبی تنها می‌تواند بخشی از واریانس موجود در مدل را در ارتباط با جامعه‌ستیزی توضیح دهد؛ که نشان می‌دهد مسیرهای هیجانی و تکانشی‌ای که بر پایه فقدان همدلی، عدم پشیمانی و احساس گناه شکل گرفته‌اند، همچنان بدون حضور جاه‌طلبی فعال است.

لذا عدم تأیید فرضیه‌های مستقیم دال بر اهمیت تمایز میانجی‌گری کامل و جزئی است. این تمایز مکانیسمی، در تبدیل ویژگی‌های شخصیتی به رفتارهای عملی نقش متفاوت میانجی‌گرهای انگیزشی را در پژوهش حاضر برجسته کرده است. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد، در بستر فرهنگی ایران، سرکوب اثرات مستقیم و تفاوت نقش میانجی‌گر جاه‌طلبی با توجه به ویژگی‌های جامعه‌شناختی و ارزش‌های فرهنگی آن قابل توضیح است. یافته‌های ما نشان می‌دهد در جامعه متوسط تا بالا ایران، اثرات ویژگی‌های تاریک بر رفتارهای غیراخلاقی عمدتاً به جای عبور از مسیرهای مستقیم از مسیرهای انگیزشی عبور می‌کند. چرا که مکانیسم‌های توضیحی بدون کانال‌های واسطه‌گری در رابطه خودشیفتگی و ماکیاولیسم با قصد ارتکاب تقلب، در منافات با ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و اعتقادی نظیر صداقت، جمع‌گرایی، نوع دوستی، عقاید مذهبی و هنجارهای دینی و اهمیت اجتناب از بی‌آبرویی است. لذا، به نظر می‌رسد، جاه‌طلبی با فراهم ساختن یک مسیر توضیحی در زمینه مکانیسم عمل سه گانه تاریک، ضمن سرکوب و شرطی کردن مسیرهای مستقیم، تقلب را در جامعه ایران به رفتاری محتاطانه، محاسبه‌گرانه، هدفمند، زیرکانه و اجتماع‌پذیر مبدل ساخته است.

از آنجاییکه پژوهش حاضر متمرکز بر چگونگی ویژگی‌های شخصیتی تاریک به طور خاص سه گانه تاریک شخصیت و جاه‌طلبی بر شکل‌گیری قصد ارتکاب تقلب است، لذا، با در نظر گرفتن یافته‌های برآمده از پژوهش، پیشنهادهای کاربردی به شرح زیر ارائه می‌گردد. نخست پیشنهاد می‌شود حساب‌برسان مستقل، به هنگام ارزیابی خطر تحریف با اهمیت ناشی از تقلب، به نشانه‌هایی نظیر تلاش بر تحقق اهداف مالی برجسته سازمانی در کوتاه مدت، پذیرش پروژه‌های متعدد بیش از ظرفیت موجود، تمایل شدید به دستیابی به پاداش‌های مالی کلان در راستای کسب منفعت شخصی و سایر علائم هشداردهنده مشابه در ارتباط با وجود جاه‌طلبی افراطی مدیران و حسابداران توجه کنند. به ویژه در ارتباط با افرادی که احتمال وجود ویژگی‌های شخصیتی تاریک در آن‌ها بالا تخمین زده می‌شود. در وهله دوم پیشنهاد می‌شود حساب‌برسان داخلی نظارت‌های دوره‌ای کوتاه مدت و سختگیرانه‌تری را علاوه بر سازوکارهایی نظیر تفکیک وظایف، الزام به مستند سازی، تأیید چند مرحله‌ای نسبت به افراد و واحدهایی که نشانه‌هایی از بی‌تفاوتی اخلاقی یا بی‌توجهی به پیامدهای رفتاری نادرست خود نظیر رفتارهای مقام‌طلبانه نافی ملاحظات اخلاقی و عدالت سازمانی نشان می‌دهند، اعمال کنند. در وهله سوم پیشنهاد می‌شود نهادهای نظارتی در بازرسی‌های خود، سابقه‌ی رفتاری مدیران و حسابداران را از نقطه نظر نشانه‌های نظیر سابقه رقابت‌های زیان‌بار برای ارتقاء، دستکاری یا پنهان‌سازی اطلاعات برای جلوگیری از شکست، چشم‌پوشی از هنجارهای حرفه‌ای در راستای جلب نظر مافوق و سایر علائم غیراخلاقی که می‌تواند حاصل از جاه‌طلبی افراطی باشد را مد نظر خویش قرار دهند. همچنین جهت بازرسی

سازمان‌ها را، براساس ریسک تقلب ابتدا رتبه‌بندی و سپس اولویت‌بندی نمایند. این امر می‌تواند از طریق چک لیست‌هایی صورت بگیرد که در برگیرنده‌ی فاکتورهای شخصیتی ارزیابی ریسک نیروی انسانی از جمله ویژگی‌های تاریک شخصیت و جاه‌طلبی است. در وهله چهارم پیشنهاد می‌شود سازمان‌ها، جهت مدیریت صفات تاریک و جاه‌طلبی، سازوکارهای پیشگیرانه‌ای را در مرحله جذب و استخدام از طریق به‌کارگیری آزمون‌های شخصیتی معتبر در مصاحبه‌های شغلی و بررسی دقیق سوابق شغلی اجرا کنند؛ همچنین از طریق تقویت ایمنی کانال‌های گزارش‌دهی و شفافیت در نظام ارتقاء و پاداش اقدام به اصلاح فرهنگ سازمانی نمایند. علاوه بر این نظارت مستقیم، ارزیابی همه‌جانبه، برگزاری کارگاه‌های اخلاق حرفه‌ای با تمرکز بر هدایت جاه‌طلبی به سمت پیامدهای سازنده سازمانی توصیه می‌شود. نکته حائز اهمیت این است که در صورت حضور ویژگی‌های تاریک شخصیت در سطوح ارشد و سطوح مدیریت نظارت‌ها بهتر است با حساسیت بیشتری انجام شود. چرا که چنین مدیرانی غالباً محیط سازمانی مسمومی را پایه‌ریزی کرده که در آن ارتکاب رفتارهای غیر اخلاقی یک هنجار پذیرفته شده در سازمان است. در وهله آخر پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران هنگام وضع قوانین و مقررات مربوط به اصلاح نظام پرداخت پاداش متکی بر عملکرد، پاداش‌های وابسته به دستاوردهای مالی کوتاه مدت را محدود کنند. زیرا این قبیل از پاداش‌ها مستعد هدایت جاه‌طلبی افراد به سمت ارتکاب رفتارهای غیر اخلاقی نظیر رفتارهای متقلبانه است. علاوه بر این تصویب مقررات مقتضی جهت الزام شرکت‌ها به افشای مناسب معیارهای اخلاقی به کار رفته در ارزیابی عملکرد مدیران ضمن تعیین شاخص‌های استاندارد مربوط به آن، همچنین الزام به استقرار کمیته اخلاق در کنار سایر کمیته‌های هیئت مدیره، به عنوان اقدامات مهم نهادهای قانون‌گذار تلقی می‌شود. همچنین پیشنهاد می‌شود از حسابداران و حسابرسی‌هایی که به دلیل اجتناب از فعالیت یا اقدامات متقلبانه با فشار و تهدید رو به رو می‌شوند با هدف کاهش نفوذ مدیران با ویژگی‌های سه‌گانه تاریک شخصیت، حمایت قانونی صورت پذیرد. لذا اهم یافته‌های حاصل از این پژوهش بر این نکته تأکید دارد که سیاست‌گذاری به منظور کاهش تقلب صرفاً نباید متمرکز بر شناسایی افراد با ویژگی‌های تاریک شخصیت باشد؛ بلکه شایسته است به کانال‌های چگونگی اثرگذاری این صفات بر پیدایش رفتارهای متقلبانه نیز توجه ویژه‌ای شود. لذا پیش از ملاحظات انضباطی و اقدامات تنبیهی بهتر است به اصلاح نظام‌های انگیزشی، طراحی و استقرار تمهیدات حمایتی و آموزش‌های اخلاقی، پرداخت تا اثر بیشتری در کاهش تقلب داشته باشد.

اگرچه پژوهش حاضر بینش ارزنده‌ای را درباره‌ی نقش عوامل روانشناختی در شکل‌گیری قصد ارتکاب تقلب ارائه می‌دهد، همچنان با محدودیت‌هایی مواجه است که باید در تفسیر نتایج مورد

توجه قرار گیرد. مهم‌ترین محدودیت، استفاده از روش خودگزارشی است. هرچند مشارکت در پژوهش به شکل کاملاً داوطلبانه، بدون جمع‌آوری هیچ‌گونه اطلاعات هویتی و با تأکید بر محرمانگی پاسخ‌ها و ضمن رعایت اصول اخلاقی پژوهش انجام گشته‌است، اما ماهیت خودگزارشی ابزار، احتمال تأثیر سوگیری مطلوبیت اجتماعی را به همراه دارد. به این معنا که پاسخ‌دهندگان ممکن است تمایل داشته باشند رفتارهای تقلب‌کارانه و صفات تاریک شخصیتی خود را کمتر از میزان واقعی گزارش کنند؛ تا تصویر مطلوب‌تر و اخلاقی‌تری را از خود ارائه دهند و از اعتراف به ویژگی‌ها یا رفتارهای نامطلوب اجتناب ورزند. بنابراین، شایسته است در تفسیر و کاربرد نتایج این محدودیت را مد نظر قرار داد. در وهله‌ی دوم، با توجه به فقدان اطلاعات جامع و قابل اتکا از تعداد دقیق اعضای جامعه آماری پژوهش و عدم امکان نمونه‌گیری تصادفی، لاجرم داده‌های مورد نیاز از طریق نمونه‌گیری در دسترس و به صورت مقطعی جمع‌آوری گشته‌است. این روش هرچند به دلیل محدودیت دسترسی به فهرست کاملی از اعضای جامعه حرفه‌ای حسابداران و مدیران، که انجام نمونه‌گیری تصادفی را عملاً غیر ممکن می‌سازد، روشی مرسوم و پذیرفته شده در مطالعات حوزه حسابداری به حساب می‌آید؛ با این وجود از باب عدم وجود شانس انتخاب یکسان هر یک از اعضای جامعه آماری در نمونه گردآوری شده، مستعد سوگیری نمونه‌گیری است و لذا تعمیم‌پذیری کامل نتایج به کل جامعه آماری پژوهش را با چالش رو به رو ساخته و محدود می‌نماید. هرچند نویسندگان مقاله جهت کاهش اثر یاد شده نمونه‌گیری را در ساعات و روزهای مختلف و در میان شرکت‌کنندگان از تمام سطوح عملیاتی تا مدیریت ارشد انجام دادند، همچنان باید در تفسیر نتایج این محدودیت را لحاظ نمود و از تعمیم نتایج به کل جامعه خودداری ورزید.

۷- تقدیر، تشکر و ملاحظه‌های اخلاقی

به این وسیله نویسندگان این مقاله مراتب امتنان و احترام خویش را نسبت به تمام یاری‌دهندگان در تکمیل پرسشنامه‌های پژوهش ابراز می‌دارند.

۸- پیوست‌ها

پاسخ‌دهنده گرامی خواهشمند است با توجه به پرسشنامه پیش‌رو برای هر گویه تنها یکی از گزینه‌های ارائه‌شده را انتخاب نمایید.

پرسشنامه ماکیاولیسم

ردیف	گویه‌ها	میزان توافق				
		۱	۲	۳	۴	۵
		کاملاً مخالف	مخالف	نه موافق نه مخالف	موافق	کاملاً موافق
۱	گفتن اسرار عاقلانه نیست.					
۲	من دوست دارم از دستکاری هوشمندانه دیگران برای رسیدن به خواسته‌ام استفاده کنم.					
۳	هرکاری لازم است باید انجام داد تا افراد مهم طرف شما را بگیرند.					
۴	از درگیری مستقیم با دیگران خودداری کنید زیرا ممکن است در آینده مفید باشند.					
۵	پیگیری اطلاعاتی که می‌توانید بعداً علیه افراد استفاده کنید، عاقلانه است.					
۶	برای برقراری ارتباط با مردم باید منتظر فرصت مناسب باشید.					
۷	چیزهایی وجود دارد که باید از دیگران پنهان کنید تا از اعتبار خود محافظت کنید.					
۸	مطمئن شوید که برنامه‌های شما به نفع خودتان است، نه دیگران.					
۹	اکثر مردم قابل تغییر و کنترل هستند.					

پرسشنامه خودشیفتگی

ردیف	گویه‌ها	میزان توافق				
		۵	۴	۳	۲	۱
		کاملاً موافق	موافق	نه موافق نه مخالف	مخالف	کاملاً مخالف
۱	مردم من را به عنوان یک رهبر ذاتی می‌بینند.					
۲	از مرکز توجه بودن متنفرم. (R)					
۳	بسیاری از فعالیت‌های گروهی بدون من کسل‌کننده هستند.					
۴	من می‌دانم که فرد خاصی هستم زیرا همه مدام این را به من می‌گویند.					
۵	من دوست دارم با افراد مهم آشنا شوم.					
۶	اگر کسی از من تعریف کند، خجالت می‌کشم. (R)					
۷	من با افراد مشهور مقایسه شده‌ام.					
۸	من یک فرد معمولی هستم. (R)					
۹	برای کسب احترامی که لایقش هستم پافشاری می‌کنم.					

پرسشنامه جامعه‌سنجی

ردیف	گویه‌ها	میزان توافق				
		۱	۲	۳	۴	۵
		کاملاً مخالف	مخالف	نه موافق نه مخالف	موافق	کاملاً موافق
۱	دوست دارم از مراجع قدرت انتقام بگیرم.					
۲	از موقعیت‌های خطرناک اجتناب می‌کنم. (R)					
۳	عکس العمل و تلافی باید سریع و ناخوشایند باشد.					
۴	مردم اغلب می‌گویند که من از کنترل خارج شده‌ام.					
۵	این درست است که من می‌توانم با دیگران بدرفتاری کنم.					
۶	افرادی که با من سر و کله می‌زنند همیشه پشیمان می‌شوند.					
۷	من هرگز دچار مشکلات قانونی نشده‌ام.					
۸	از رابطه جنسی با افرادی که به سختی می‌شناسم لذت می‌برم.					
۹	برای رسیدن به خواسته‌ام هر چیزی که لازم باشد می‌گویم.					

پرسشنامه جاه طلبی

ردیف	گویه‌ها	میزان توافق				
		۵	۴	۳	۲	۱
		کاملاً موافق	موافق	نه موافق نه مخالف	مخالف	کاملاً مخالف
۱	من جاه طلب هستم.					
۲	برای موفقیت تلاش می‌کنم.					
۳	اهداف چالش برانگیزی دارم.					
۴	برای من دستیابی به نتایج برجسته در زندگی‌ام بسیار مهم است.					
۵	برای من انجام کارهای بزرگ بسیار مهم است.					

پرسشنامه قصد ارتکاب تقلب

ردیف	گویه‌ها	میزان توافق				
		۵	۴	۳	۲	۱
		کاملاً موافق	موافق	نه موافق نه مخالف	مخالف	کاملاً مخالف
۱	من حاضرم ریسک «تطبیق حساب‌ها» را بپذیرم تا شرکت‌م مورد توجه قرار گیرد.					
۲	مطمئنم که در آینده «تطبیق حساب‌ها» را انجام خواهم داد تا شرکت‌م وضعیت بهتری داشته باشد.					
۳	من در آینده هر کاری از دستم برباید، از جمله «تطبیق حساب‌ها» را برای بهبود نتایج شرکت‌م انجام خواهم داد.					

فهرست منابع

- ابراهیمی، سید کاظم؛ بهرامی نسب، علی؛ گل ارضی، غلام‌حسین، پیوندی، سعیده. (۱۳۹۵)، حسابداران جنایی در جستجوی تقلب و پیش بینی بازده آتی سهام، دانش حسابرسی، دوره ۱۶، شماره ۶۴، صص ۶۳-۸۰.
- ابراهیمیان، محمدرضا؛ ایزدی نیا، ناصر؛ امیری هادی. (۱۳۹۹)، ارائه مدلی به منظور پیش بینی احتمال تقلب در صورتهای مالی با استفاده از رگرسیون لجستیک، دانش حسابرسی، دوره ۲۰، شماره ۷۹، صص ۳۴۸-۳۷۰.
- ایمر، فرشید و گرکز، منصور. (۱۳۹۷)، بررسی رابطه بین سه گانه تاریک شخصیت و تصمیم گیری فرصت طلبانه مدیران مالی در حسابداری، پیشرفت‌های حسابداری، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۳۰۳-۲۷۳.
- برنا، محمدرضا؛ برادران حسن زاده، رسول؛ فضل زاده، علیرضا؛ باد آور نهندی، یونس. (۱۴۰۰)، تبیین ابعاد مفهوم، مصادیق و قرائن تقلب در صورتهای مالی: بر اساس روش تحلیل مضمون (تم)، دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، دوره ۶، شماره ۱۲، صص ۴۰۶-۳۷۳.
- بزرگ اصل، موسی؛ بهشور، اسحاق؛ احمدی پاک، فرشته. (۱۴۰۰)، خودشیفتگی مدیرعامل و ریسک تقلب در گزارشگری مالی با تأکید بر نقش حسابرسان و کمیته حسابرسی، مجله دانش حسابداری، دوره ۱۲، شماره ۲، صص ۱۵۵-۱۳۹.
- پسندیده فرد، فایزه؛ وادی زاده، کاظم؛ سپاسی، سحر. (۱۳۹۹)، شناسایی عوامل مؤثر بر گزارشگری مالی متقلبانه و نادرست با استفاده از روش فراترکیب، دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، دوره ۵، شماره ۹، صص ۳۳۴-۳۰۱.
- پوریوسف، اعظم و ثقفی، مهدی. (۱۴۰۴)، مکعب تقلب و لحن غیرعادی مدیران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۳۲، شماره ۳، صص ۵۰۸-۵۳۴.
- حجازی، رضوان و مختاری نژاد، حمید رضا. (۱۳۹۶)، رابطه ساختار حاکمیت شرکتی با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه، دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، دوره ۲، شماره ۳، صص ۶۰-۳۳.

حیدری، قنبر؛ نیکومرام، هاشم؛ وکیلی فرد، حمید رضا. (۱۴۰۲)، رابطه میان ویژگی های صفات تاریک شخصیت در گرایش به رفتارهای متقلبانه: آزمون نظریه اعتماد اجتماعی، دانش حسابداری مالی، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۲۲۱-۱۸۳.

دیانتی دپلمی، زهرا؛ باقری، ناهیده؛ منطقی، خسرو. (۱۴۰۰)، الگوی شناسایی اسناد و مدارک فیزیکی مشکوک به تقلب براساس مشخصات ظاهریشان، مجله دانش حسابداری، دوره ۱۲، شماره ۳، صص ۱۲۹-۱۴۶.

رضازاده، فرزانه؛ رضایی، فرزین؛ حمیدی، ناصر. (۱۳۹۹)، تأثیر خودکارآمدی، منبع کنترل و ویژگی های تاریک شخصیت بر گزارشگری مالی متقلبانه، دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، دوره ۵، شماره ۱۰، صص ۱۶۷-۱۳۱.

رضوان، حبذا؛ ولی پور، هاشم؛ صالحی، حمید؛ عوض زاده فتح، فریبرز. (۱۴۰۳)، تأثیر ویژگی های درونی حسابرسان بر توانایی کشف تقلب با لحاظ کردن نقش میانجی گری رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی، دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، دوره ۹، شماره ۱۸، صص ۱۷۷-۲۱۷.

زارع بهنمیری، محمد جواد و اسفندیار، ملکیان کله بستی. (۱۳۹۴)، پیش بینی تقلب در صورت های مالی با استفاده از نسبت های مالی (مطالعه موردی: شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران)، چشم انداز مدیریت مالی، دوره ۵، شماره ۱۲، صص ۶۴-۸۰.

زارع، ایمان؛ ترک زاده ماهانی، علی؛ فاضلی، مهدی. (۱۴۰۳)، تأثیر پارانوئید سازمانی بر تقلب در نظام گزارشگری مالی با میانجی گری وفاداری سازمانی، پیشرفت های حسابداری، دوره ۱۶، شماره ۱، صص ۲۴۳-۲۷۴.

طاهری، مسعود. (۱۳۹۸)، مقایسه مدل های مثلث، دیاموند و پنتاگون تقلب در ارزیابی ریسک تقلب، دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، دوره ۴، شماره ۸، صص ۳۶۹-۳۳۹.

عارف منش، زهره؛ دهقانی اشکذری، محمد مهدی؛ احمدی، زهرا؛ صفاری کرمانی، حمیده. (۱۴۰۲)، بهزیستی روانشناختی و تصمیم گیری اخلاقی حسابداران با نقش میانجی تمایل به ریسک پذیری فردی: مطالعه موردی حسابداران شرکت های کاشی استان یزد، دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، دوره ۸، شماره ۱۵، صص ۷۵-۱۲۰.

غدیری، صورمان آبادی، فرهاد؛ عبدالمحمدی، کریم؛ ابراهیم‌زاده، خوشدوی؛ شیخی پورپاک، سینا؛ علی‌زاده عربلوی بیشه، سارا. (۱۴۰۳)، مقایسه پرخاشگری و قانون‌گریزی در نوجوانان دارای صفات خودشیفته و عادی، مطالعات تربیتی و آموزشی، دوره ۱۳، شماره ۱، صص ۸۷-۹۸.

فرقاندوست حقیقی، کامبیز؛ هاشمی، سید عباس؛ فروغی دهکردی، امین. (۱۳۹۳)، مطالعه رابطه مدیریت سود و امکان تقلب در صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابرسی، دوره ۱۴، شماره ۵۶، صص ۴۷-۶۸.

کامرانی، هدی؛ اعتمادی، حسین؛ رضازاده، جواد. (۱۴۰۲)، بررسی تأثیر زیرساخت‌های رسمی اخلاقی در سازمان بر تصمیم‌گیری اخلاقی حسابداران: با نقش میانجی گرایش به ریسک‌پذیری، دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، دوره ۸، شماره ۱۵، صص: ۷۴-۳۷.

کدخدایی الیادرانی، مژده و بنی مهد، بهمن. (۱۴۰۰)، رابطه جهت‌گیری ارزشی، عواطف مثبت و درک از انصاف با تمایل حسابرسان داخلی به گزارشگری تقلب، دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، دوره ۶، شماره ۱۱، صص ۹۱-۶۷.

نمازی، محمد و ابراهیمی، فهیمه. (۱۳۹۵)، مدل بندی و تعیین اولویت عوامل مؤثر بر قصد گزارش تقلب‌های مالی توسط حسابداران، مطالعات تجربی حسابداری مالی، دوره ۱۳، شماره ۴۹، ۱-۲۸.

نیکبخت، محمد رضا و شیخ، محمد جواد. (۱۳۸۳)، بررسی اهمیت شاخص‌های تقلب بالقوه مالی، مطالعات تجربی حسابداری مالی، دوره ۲، شماره ۵، ۶۱-۹۴.

همت‌فر، محمود. (۱۴۰۱)، شخصیت مدیریتی سه‌گانه تاریک و دستکاری گزارشگری مالی، مجله تحلیل بازار سرمایه، دوره ۲، شماره ۳، صص ۱۸۲-۱۶۴.

- Adeel, A., D. M. H. Kee, A. S. Mubashir, S. Samad, and Y. Q. Daghriri. 2023. Leaders' ambition and followers' cheating behavior: The role of performance pressure and leader identification. *Frontiers in psychology* 14: 982328.
- Aivaz, K. A., I. O. Florea, and I. Munteanu. 2024. Economic Fraud and Associated Risks: An Integrated Bibliometric Analysis Approach. *Risks* 12 (5): 74.
- Ajzen, I. 1991. The theory of planned behavior. *Organizational behavior and human decision processes* 50 (2): 179–211.
- Al Natour, A. R., H. Al-Mawali, H. Zaidan, and Y. H. Z. Said. 2025. The role of forensic accounting skills in fraud detection and the moderating effect of CAATTs application: evidence from Egypt. *Journal of Financial Reporting and Accounting* 23 (1): 30–55.
- Antonicelli, S., and E. A. Felski. 2024. The Effect of the Dark Triad on Organizational Fraud. *Journal of Forensic Accounting Research* 9 (1): 155–166.
- Arie, A. A. P. G. B., I. K. Sunarwijaya, and P. A. M. Suwandewi. 2025. The collectivism and dark triad personality in banking fraud. *Banks and Bank Systems* 20 (3): 203.
- Ashby, J. S., and I. Schoon. 2010. Career success: The role of teenage career aspirations, ambition value and gender in predicting adult social status and earnings. *Journal of vocational behavior* 77 (3): 350–360.
- Bagozzi, R. P., and Y. Yi. 2012. Specification, evaluation, and interpretation of structural equation models. *Journal of the academy of marketing science* 40 (1): 8–34.
- Bailey, C. D. 2017. Psychopathy and accounting students' attitudes towards unethical professional practices. *Journal of Accounting Education* 41: 15–32.
- Bakiaj, R., C. I. Pantoja Muñoz, A. Bizzego, and A. Grecucci. 2025. Unmasking the Dark Triad: A Data Fusion Machine Learning Approach to Characterize the Neural Bases of Narcissistic, Machiavellian and Psychopathic Traits. *European Journal of Neuroscience* 61 (2): e16674.
- Blais, J., and S. Pruyers. 2017. The power of the dark side: personality, the dark triad, and political ambition. *Personality and Individual Differences* 113: 167-172.

- Buchanan, J., E. Griffith, T. A. Lambert, and S. Perreault. 2025. Dark Triad Traits and Accounting: An Operating, Reporting, and Assurance Framework. *Auditing: A Journal of Practice & Theory* 44 (2): 27-49.
- Byrne, B. M. 2001. Structural equation modeling with AMOS, EQS, and LISREL: Comparative approaches to testing for the factorial validity of a measuring instrument. *International journal of testing* 1(1): 55-86.
- Campa, D., A. Quagli, and P. Ramassa. 2025. The roles and interplay of enforcers and auditors in the context of accounting fraud: a review of the accounting literature. *Journal of Accounting Literature* 47 (5): 151–183.
- Chen, S. 2010. The role of ethical leadership versus institutional constraints: A simulation study of financial misreporting by CEOs. *Journal of Business Ethics* 93 (Suppl 1): 33–52.
- Çollaku, L., A. S. Ramushi, and M. Aliu. 2025. Fraud intention and the relationship with selfishness: the mediating role of moral justification in the accounting profession. *International Journal of Ethics and Systems* 41(4):955-972.
- Cressey, D. R. 1953. *Other people's money; a study of the social psychology of embezzlement*.
- Crysel, L. C., B. S. Crosier, and G. D. Webster. 2013. The Dark Triad and risk behavior. *Personality and individual differences* 54 (1): 35–40.
- Cruz, N. G. D., R. T. Takamatsu, and F. A. Cordeiro. 2024. Narcissism and Earnings Management. *Revista Brasileira de Gestão de Negócios* 26 (2): e.20230174.
- Davis, A. C., and T. Vaillancourt. 2023. Predicting dominance and prestige status-striving from the dark tetrad: The mediating role of indirect aggression. *Current Psychology* 42(16): 13680–13692.
- Dellaportas, S. 2013. Conversations with inmate accountants: Motivation, opportunity and the fraud triangle. *Accounting fórum* 37(1): 29-39.
- Diller, S. J., A. Czibor, Z. P. Szabó, P. Restás, E. Jonas, and D. Frey. 2021. The positive connection between dark triad traits and leadership levels in self-and other-ratings. *Leadership, Education, Personality: An Interdisciplinary Journal* 3(2): 117-131.

- Donning, H., M. Eriksson, M. Martikainen, and O. M. Lehner. 2019. Prevention and detection for risk and fraud in the digital age-the current situation. *ACRN Journal of Finance and Risk Perspectives* 8(Special Issue): 86–97.
- Dorminey, J., A. S. Fleming, M. J. Kranacher, and R. A. Riley Jr. 2012. The evolution of fraud theory. *Issues in accounting education* 27 (2): 555–579.
- D'Souza, M. F., and G. A. S. F. de Lima. 2015. The dark side of power: The dark triad in opportunistic decision-making. *Advances in Scientific and Applied Accounting* 8(2) : 135–156.
- Egan, V., N. Hughes, and E. J. Palmer. 2015. Moral disengagement, the dark triad, and unethical consumer attitudes. *Personality and Individual Differences* 76: 123–128.
- Eshghi, A., and M. Kargari. 2019. Introducing a new method for the fusion of fraud evidence in banking transactions with regards to uncertainty. *Expert Systems with Applications* 121: 382-392.
- Fornell, C., and D. F. Larcker. 1981. Evaluating structural equation models with unobservable variables and measurement error. *Journal of marketing research* 18 (1): 39 –50.
- Furnham, A. 2021. The bright and dark side of achievement motivation. *Current Psychology* 40(3): 1271–1279.
- Ghosh, D., and T. L. Grain. 1996. Experimental Investigation of Ethical Standards and Perceived Probability of Audit on Intentional Noncompliance. *Behavioral Research in Accounting* 8:219.
- Ghosh, K. 2023. Employee-perceived ‘motivation-enhancing HRM practices’ and career ambition: Social subjective norms explain workplace deviant behavior. *Human resource management journal* 33 (4): 1074–1096.
- Gürlek, M. 2021. Shedding light on the relationships between Machiavellianism, career ambition, and unethical behavior intention. *Ethics & Behavior* 31 (1): 38–59.
- Ham, C., M. Lang, N. Seybert, and S. Wang. 2017. CFO narcissism and financial reporting quality. *Journal of Accounting Research* 55 (5): 1089–1135.

- Hare, R. D. 2003. Psychopathy checklist—revised. Psychological assessment.
- Harrison, A., J. Summers, and B. Mennecke. 2018. The effects of the dark triad on unethical behavior. *Journal of Business Ethics* 153(1): 53–77.
- Hirschi, A., and D. Spurk. 2021. Striving for success: Towards a refined understanding and measurement of ambition. *Journal of Vocational Behavior* 127: 103577.
- Higgs, M. 2009. The good, the bad and the ugly: Leadership and narcissism. *Journal of change management* 9(2): 165-178.
- Ingersoll, A. R., C. Glass, A. Cook, and K. J. Olsen. 2019. Power, status and expectations: How narcissism manifests among women CEOs. *Journal of Business Ethics* 158 (4): 893–907.
- Jones, D. N., and D. L. Paulhus. 2014. Introducing the short dark triad (SD3) a brief measure of dark personality traits. *Assessment* 21 (1): 28–41.
- Jones, A. B., R. A. Sherman, and R. T. Hogan. 2017. Where is ambition in factor models of personality?. *Personality and Individual Differences* 106: 26–31.
- Judge, T. A., and J. D. Kammeyer-Mueller. 2012. on the value of aiming high: The causes and consequences of ambition. *Journal of Applied Psychology* 97 (4): 758.
- Kazemian, S., J. Said, E. Hady Nia, and H. Vakilifard. 2019. Examining fraud risk factors on asset misappropriation: evidence from the Iranian banking industry. *Journal of Financial Crime* 26 (2): 447–463.
- Kerckhofs, L., K. Hardies, M. L. Vandenhaute, and S. Ceustermans. 2021. Starting your career at an accounting firm: The role of personality in explaining career starts. *Accounting Horizons* 35 (1): 105–131.
- Kline, R. B. 2016. Principles and practice of structural equation modeling (4e éd.). New York, Guilford, 10.
- Kon, Z. S., Y. H. Lim, Y. O. Choong, J. R. Paloosamy, and B. T. Low. 2024. The influence of pressure on intention to commit fraud: the mediating role of rationalization and opportunities. *Asian Journal of Business Ethics* 13(1): 175-195.

- Lee, K., M. C. Ashton, J. Wiltshire, J. S. Bourdage, B. A. Visser, and A. Gallucci. 2013. Sex, power, and money: Prediction from the Dark Triad and Honesty–Humility. *European journal of personality* 27 (2): 169–184.
- Marques, J., and S. Dhiman. 2017. *Leadership today: Practices for personal and professional performance*. Springer International Publishing Switzerland.
- Matore, E. M., and A. Z. Khairani. 2020. The pattern of skewness and kurtosis using mean score and logit in measuring adversity quotient (AQ) for normality testing. *International Journal of Future Generation Communication and Networking* 13(1): 688-702.
- McDonald, M. M., M. B. Donnellan, and C. D. Navarrete. 2012. A life history approach to understanding the Dark Triad. *Personality and individual differences* 52 (5): 601–605.
- Modic, D., J. Palomäki, M. Drosinou, and M. Laakasuo. 2018. The dark triad and willingness to commit insurance fraud. *Cogent Psychology* 5 (1): 1469579.
- Moshagen, M., B. E. Hilbig, and I. Zettler. 2018. The dark core of personality. *Psychological review* 125 (5): 656.
- Mukherjee, S., and S. Datta. 2024. Ambition, Marital Status, and Burnout: Insights from India's Gig Economy for Sustainable Employment. *Basic and Applied Social Psychology* 46 (6): 411–422.
- Murphy, P. R. 2012. Attitude, Machiavellianism and the rationalization of misreporting. *Accounting, Organizations and Society* 37 (4): 242–259.
- Mutschmann, M., T. Hasso, and M. Pelster. 2022. Dark triad managerial personality and financial reporting manipulation. *Journal of Business Ethics* 181 (3): 763–788.
- Oelrich, S., and A. Chwolka. 2024. When deviants talk: the role of Dark Triad traits and moral reasoning in whistleblowing. *Journal of Management Control* 35 (3): 333–369.
- O'Reilly, C. A., and J. Pfeffer. 2025. Ambition as a doubled-edged sword: Career success and unethical behavior. *Personality and Individual Differences* 233: 112942.

- Otto, K., R. Roe, S. Sobiraj, M. M. Baluku, and M. E. Garrido Vázquez. 2017. The impact of career ambition on psychologists' extrinsic and intrinsic career success: The less they want, the more they get. *Career Development International* 22 (1): 23–36.
- Paulhus, D. L., and K. M. Williams. 2002. The dark triad of personality: Narcissism, Machiavellianism, and psychopathy. *Journal of research in personality* 36 (6): 556–563.
- Podsakoff, P. M., S. B. MacKenzie, J. Y. Lee, and N. P. Podsakoff. 2003. Common method biases in behavioral research: a critical review of the literature and recommended remedies. *Journal of applied psychology* 88(5):879.
- Podsakoff, P. M., S. B. MacKenzie, and N. P. Podsakoff. 2012. Sources of method bias in social science research and recommendations on how to control it. *Annual review of psychology* 63(1): 539-569.
- Peterson, R. D., and C. L. Palmer. 2019. The Dark Triad and nascent political ambition. *Journal of Elections, Public Opinion and Parties* 32 (2): 275–296.
- Resta, E., A. W. Kruglanski, M. Ellenberg, and A. Pierro. 2023. Ambition-driven aggression in response to significance-threatening frustration. *European Journal of Social Psychology* 53 (7): 1458–1474.
- Roeser, K., V. E. McGregor, S. Stegmaier, J. Mathew, A. Kübler, and A. Meule. 2016. The Dark Triad of personality and unethical behavior at different times of day. *Personality and Individual Differences* 88: 73–77.
- Şahin, E. S. 2025. From ambition to substance use tendency: the mediating role of significance quest. *Frontiers in psychology* 16: 1496907.
- Sattler, S., and P. Linden. 2021. Unhealthy parenting strategies: Situational (Dis-) Incentives, Machiavellian personality, and their interaction on misuse of ADHD medication for healthy children. *Social science research* 97:102559.
- Schermelleh-Engel, K., H. Moosbrugger, and H. Müller. 2003. Evaluating the fit of structural equation models: Tests of significance and descriptive goodness-of-fit measures. *Methods of psychological research online* 8 (2): 23–74.

- Shafer, W. E., and Z. Wang. 2011. Effects of ethical context and Machiavellianism on attitudes toward earnings management in China. *Managerial auditing journal* 26 (5): 372–392.
- Shonhadji, N., and A. Maulidi. 2022. Is it suitable for your local governments? A contingency theory-based analysis on the use of internal control in thwarting white-collar crime. *Journal of Financial Crime* 29 (2): 770–786.
- Sun, X., and Y. Chen. 2022. Why do people with similar levels of internal control differ in their likelihood to commit fraud? Analysis of the moderating effect of perceived opportunity to commit fraud. *Frontiers in Psychology* 13: 999469.
- Sürücü, L., and A. Maslakçı. 2020. Validity and Reliability in Quantitative Research. *BMIJ* 8(3):2694-2726.
- Trevino, L. K. 1986. Ethical decision making in organizations: A person-situation interactionist model. *Academy of management Review* 11(3):601-617.
- Toms, S. 2019. Financial scandals: a historical overview. *Accounting and Business Research* 49 (5): 477–499.
- Triantoro, H. D., I. Utami, and C. Joseph. 2020. Whistleblowing system, Machiavellian personality, fraud intention: An experimental study. *Journal of Financial Crime* 27 (1): 202–216.
- Utami, I., Y. W. Astiti, and N. Mohamed. 2019. Fraud intention and machiavellianism: An experimental study of fraud triangle. *International Journal of Financial Research* 10(5): 269-279.
- Van Driel, H. 2019. Financial fraud, scandals, and regulation: A conceptual framework and literature review. *Business History* 61(8):1259-1299.
- Wakefield, R. L. 2008. Accounting and machiavellianism. *Behavioral Research in Accounting* 20 (1): 115–129.
- Wijayanti, D. M., Y. P. Senjani, and W. Farah. 2024. The role of Machiavellian personality, altruistic personality, religiosity, whistleblowing system, and accounting firm size in mitigating fraud intention. *Journal of Financial Crime* 31 (1): 119–134.

- Wingrove, S., and G. M. Fitzsimons. 2022. Interpersonal consequences of conveying goal ambition. *Organizational Behavior and Human Decision Processes* 172: 104182.
- Wells, J. T. 2017. *Corporate fraud handbook: Prevention and detection*. John Wiley & Sons.
- Wolfe, D. T., and D. R. Hermanson. 2004. The fraud diamond: Considering the four elements of fraud. *The CPA Journal* 74(12):38-42.
- Zhao, H., H. Zhang, and Y. Xu. 2016. Does the dark triad of personality predict corrupt intention? The mediating role of belief in good luck. *Frontiers in psychology* 7: 608.
- Zuo, L., P. D. Harms, K. Landay, and D. Wood. 2022. Reckless ambition: How impulsivity moderates the effect of ambition on transformational leadership. *Personality and Individual Differences* 187: 111383.

